

به پیوسته از پنج بودجه نیست. راجع باسول و ترتیب مالیات گیری است. و بنده هم با آقایان شریک هستم که این یک ترتیب خیلی بدی است و از این شکل از مالیات یک بی عدالتی هائی در مملکت میشود.

البته پس از چهارده یا نوزده سال که مجلس هست. مشروطه هست و حالا دوره پنجم تقنینیه است خیلی اجاب تأسف است که در مجلس قوانین قضائی اخذ مالیات وضع نمیشود. و چه دولت و چه مملکت تمام گرفتار این قبیل مالیاتها هستند که امروز یکی قدیمی و کهنه شده و اگر هم یک اشکالاتی در مالیات پیدا میشود جوع میکنند بیست و نه های قدیم با مثال میرزا معتمد علی خان مستوفی و غیره و بآنجا میبویسند آقا شما در فلان موضوع چه عقیده دارید.

پس کلیه اصلاحات مالیات اگر قلع است بواسطه اینست که قوانین جدیدی نداریم و اشخاصی که از آمریکا میآیند میخواهند قوانین صد سال قبل خودمان را شدیداً اجرا کنند.

آنها هم البته باید اجرای اخذ مالیات را بکنند و ناچارند یک عوایدی و مخارجی داشته باشند.

لهذا این مخالفتهائی که اینجا شد به پیوسته راجع بودجه مملکتی نبود و راجع بقوانین قدیمی خودمان است و به پیوسته مربوط به گذران این بودجه نیست و حالا اشکال در این بودجه چه تقنینیه برای مجلس و برای مملکت خواهد داشت.

اگر این اشکالات برای اصلاح امور مالیاتی است که هر قدر در این باب اشکال کنیم وقت خودمان را مصرف کنیم بیک چیزهائی که خودمان تصویب کرده ایم وقت مجلس را تلف میکنیم و قوانین از قبیل میزبانی و مالیات تصاعدی و غیره میماند و بالاخره میروند برای دوره دیگر.

لهذا بنده اگر مواضع با بودجه برای اینست که زود تر از شرین بودجه گذشته خلاص بشویم و یک فکر اساسی برای بودجه مملکتی بکنیم. تنقید فایده ندارد.

البته همان قدر که دولت مسؤول مملکت است مجلس هم هست. ما هم تقنین کنیم از یک چیزهائی که هم خودمان میدانیم بد است هم دولت میدانند بد است.

اگر وزارت مالیات تجدیدنست بد است

اتصال قوانین جدیدی میآورد بکمیسیون قوانین مالیات) و بالاخره گرما بخوابیم وقت خودمان را مصرف بیک جزئیاتی بکنیم اصول کلی ازین میروند سال تمام میشود این بودجه هم مرجوع میشود بکمیسیون بودجه و کمیسیون بودجه بجای اینکه مشغول تنظیم بودجه جدید شود باید مشغول اصلاح بودجه سال گذشته بشود و صورتیکه این قضایائی است که گذشته و پس از هفت ماه اینجا آمده.

لذا بنده از این نقطه نظر مواضع که گرفتار این قبیل مالیاتها هستند که امروز یکی قدیمی و کهنه شده و اگر هم یک اشکالاتی در مالیات پیدا میشود جوع میکنند بیست و نه های قدیم با مثال میرزا معتمد علی خان مستوفی و غیره و بآنجا میبویسند آقا شما در فلان موضوع چه عقیده دارید.

پس کلیه اصلاحات مالیات اگر قلع است بواسطه اینست که قوانین جدیدی نداریم و اشخاصی که از آمریکا میآیند میخواهند قوانین صد سال قبل خودمان را شدیداً اجرا کنند.

آنها هم البته باید اجرای اخذ مالیات را بکنند و ناچارند یک عوایدی و مخارجی داشته باشند.

لهذا این مخالفتهائی که اینجا شد به پیوسته راجع بودجه مملکتی نبود و راجع بقوانین قدیمی خودمان است و به پیوسته مربوط به گذران این بودجه نیست و حالا اشکال در این بودجه چه تقنینیه برای مجلس و برای مملکت خواهد داشت.

اگر این اشکالات برای اصلاح امور مالیاتی است که هر قدر در این باب اشکال کنیم وقت خودمان را مصرف کنیم بیک چیزهائی که خودمان تصویب کرده ایم وقت مجلس را تلف میکنیم و قوانین از قبیل میزبانی و مالیات تصاعدی و غیره میماند و بالاخره میروند برای دوره دیگر.

لهذا بنده اگر مواضع با بودجه برای اینست که زود تر از شرین بودجه گذشته خلاص بشویم و یک فکر اساسی برای بودجه مملکتی بکنیم. تنقید فایده ندارد.

البته همان قدر که دولت مسؤول مملکت است مجلس هم هست. ما هم تقنین کنیم از یک چیزهائی که هم خودمان میدانیم بد است هم دولت میدانند بد است.

اگر وزارت مالیات تجدیدنست بد است

و آرد نباید اینهم در این بودجه منظور شده و یک مقداری هم زیاد آمده که باید با وزارت مالیات بعد مذاکره کرد ولی در یک هایدی که بیست و سه میلیون است. اولاً باید خیلی خوشوقت بود که یک چیز زیادی در مخارج نداریم و البته آقایان مسبقند که در سنوات گذشته خیلی کمتر میشد که دولت بتواند صرف از عایدی خودش زندگی کند هر سال سالی سه میلیون و چهار میلیون میبایست از منابع خارجی قرض کند.

این مسئله اشکالی که سه چهار ماه است مدرس - چنین نبود سالار لشکر - در این اواخر بود. حالا قدیم نبود ولی در این اواخر بود خودمان هم خوب مسبقیم حالا این مسئله کدر این بودجه نیست.

این نهصد و نود و چهار هزار تومان اضافی هم یک مسئله است که باید بعد حل شود و باید بجلس ولی در این بودجه که کمیسیون بودجه داده است بجلس یک تخریجی زیادتر از دخل نیست و این یکی از مسائل مهمی است که باید طرف توجه مجلس بشود و اگر یک چیز زیادی بود و مسئله استقرار بود این مخالفت صحیح بود و این شکایتی که اینجا او اوضاع مالیات میشود نسبت بجمع و خرج نیست بلکه نسبت بجز و جمع و اصول مالیاتی است و باید خیلی مشغول بود که دولت ایران دخلش کمتر از خرجش نیست و این در خیلی از ممالک بزرگ است که همیشه مشغول تعادل بودجه هستند.

در مملکت بزرگی مثل فرانسه همیشه مشغولند که بتوانند مخارج را مطابق عواید بکنند.

اما مسئله اشکالی که آقای دامغانی در اینجا فرمودند البته این تنزل اصل زحمت فوق العاده است برای اجزاء و مأمورین خود دولت هم خوشحال نیست از این مسئله ولی چون در محظور دیگری میافتد کمیسیون بودجه اینکار را کرده است و خوب هم کرده.

تدین - بایشهاد دولت سالار لشکر - پای بایشهاد دولت خودشان هم فرمودند که چندان موافق نبودند.

شیروانی - پس چرا بایشهاد کردند؟ سالار لشکر - خوب حالا وزارت مالیات و کمیسیون بودجه با هم موافقت کرده اند چه چیزی دارد این مسئله اشکالی مسئله است که البته یک مقدار فداکاری اجزاء ادارات را لازم دارد.

آنها فقط چهار ماه است آنچه را که گرفته اند البته از آنها گرفته نخواهد شد البته در موقع مهمی فداکاری مردم ملت با اجتماع لازم است و این مسئله در اغلب بنده معتقدم که تا بودجه مملکت

اصلاح نشود هیچ اصلاحی در مملکت ممکن نیست بشود.

این عقیده بنده است ممکن است عقاید مختلف باشد.

اصلاح مالیات مملکت عقیده بنده اصلاح آن قوه ایست که یک چرخهائی را حرکت میدهد.

اگر چرخهای مملکت خراب بشود شاه چقدر پول. قوه بآن چرخهای میدهد متصل در همان سر خراب و غلط خودش حرکت میکند.

بعد متصل در همان سر خراب و غلط خودش حرکت میکند.

تا شما بزرگ را این موند خراب می دهید این موند لک لک خودش را میکند و اصلاح نمیشود.

عقیده بنده بر خلاف عقیده حضرت والا اگر یک روز هم با آرسال مانده است باید جلوگیری را گرفت جلو قوه را گرفت تا شما بزرگ را این موند خراب می دهید این موند لک لک خودش را میکند و اصلاح نمیشود.

باید ببول نهاد که اصلاحات بشود این یک اصلی است بنده.

در موقعی که بودجه دربار مطرح بود مقام محترم ریاست جلدو بعضی عریاض بنده را گرفتند و وعده فرمودند که در موقع بودجه مملکتی اجازه خواهند فرمود که عریاض خود را عرض کنم.

حالا امروز روز وقایع وعده مقام ریاست رسید و امیدوارم اجازه بفرمایند که بنده آن عقاید خود را که اصولاً راجع بودجه مملکتی داشتم و آنروز میخواستم عرض کنم.

امروز عرض کنم حالا موقع آن عریاض رسیده است.

بودجه دربار نظر باهوشی که نسبت بوضیعات داشت باجمله باقول یکی از آقایان باسلام و صلوات گذشت والحمدالله خیال راحت شد.

حالا سایر بودجه های مملکتی که تا امروز رسیده آنها مطرح است میخواهم یک قدری راجع بآنها صحبت کنم.

قبلاً اجازه میخواهم از آقایان یک عریاضی را بکنم بعد شروع باصل موضوع بکنم.

در مملکت ما متأسفانه یک تغییرات و یک قضاوتهائی در قضاوت بطور معکوس میشود یعنی مسائل را شکل دیگر جلوه میدهند مثلاً بنده یک چیزی میگویم دیگری مطابق میل خودش آنرا تعبیر میکند.

این تعبیر چیز غریبی شده است در مملکت مثلاً اگر کسی خوب آدمی بود میگوند و ما گوزی میکند.

اگر یک کسی خواست یک حقایق و یک مسائلی را بگوید و سایر مطالب خودش را که نسبت بآن مطلب ممکن است مخالفت داشته باشد اظهار کند میگویند مترسد اینها یک چیز هائی است که امیدوارم در

مجلس نباشد.

بنده یکی از طرفداران جدیدی آقای سردار سپه هستم برای اینکه سندم داده ام چاپ هم کردم و حتی عقیده دارم که سردار سپه ناجی ایرانست.

بنده تعارف نکردم تا آخرین درجه قوه خود همه طرفدار هستم ولی با بودجه مملکتی و این طریق بودجه مخالفم این برای این است که تغییر نشود که چون بنده با بودجه وزارتخانه که خراب است مخالفم دلیل بر این میشود که با آقای سردار سپه باید دولتی مخالف من میل دارم از آن کسیکه من حمایت میکنم او کار خوب بکند و کاری که قابل تنقید باشد در در اطراف او کرده نشود.

بنده معتقدم که این بودجه و این وزارتخانه هائی که در اطراف وزارتخانه آقای سردار سپه هستند همه خرابانه این است عقیده بنده.

بنده خیلی مایل هستم بپیشنهادی را که حضرت آقای مدرس در موقعیکه یک دوازدهم بودجه مطرح بود فرمودند حالا هم یک همچو پیشنهادی بشود آقایان یکی از مخالفین سردار سپه هستند.

بنده مواضع ولی پیشنهادی را که کرده اند از نقطه نظر شخصی سردار سپه بهترین پیشنهاد بود که حقوق تشون حقوق امنیه بنده هم اضافه میکنم حقوق امنیه بنده هم اضافه میکنم.

حقوق مدارس (اگر تعبیر نشود به دعا گوزی) یعنی اینکه حقوق مدارس هم بآن پیشنهاد اضافه شود و ما تصویب بکنیم.

امنیه و تشون مملکت را حفظ میکنند تشون جنگ میکنند باینکه من مردم معاملم درس میدهند امنیه هم توی راه مردم را حفظ میکنند بلیس هم مال مردم را در شهر حفظ میکنند ولی سایر مؤسسات بعقیده بنده خراب است هر وقت هر چه پول بپوشه خراب بدهند بخرابی خودش بیافسی میماند.

بنده عقیده دارم این است که نه یکماه نه سه ماه و چهار ماه نه یکسال نه پنجسال بقدری باید پول نداد بیایه تا اصلاح شود.

مالیه باین خرابی را باید بآن پول نداد و جلوی بزرگ را باید گرفت تا این چرخهای خراب اصلاح شود آه وقت باید باو قوه داد و گفت حرکت کن.

مخالفت بنده با این بودجه از چهار نقطه نظر است.

اولاً از نقطه نظر علمی.

چون در موقعیکه مالیات تصاعدی مطرح بود یک ایرادات علمی در اینجا گرفته شد که این مالیات علمی نیست در این حال می بینم همان مخالفت این بودجه

را علمی کرداند.

چون یکی از جهات مخالفتهاشان با آن مالیات این بود که آن مالیات علمی نیست لابد چون آن مالیات علمی نبود و این بودجه موافق هستند تصور میکنند که این بودجه علمی است.

یک همچو بودجه برای چندین وزارتخانه عریض و طویل.

بودجه کل مملکت ایران این بودجه است و علمی است یکی هم بنده مخالفم با این بودجه چهار دیواری (با اصطلاحی که دو سال است پیدا شده) یکی مخالفت بنده با ستون خرج این بودجه است و یکی هم با ستون عایدات این چهار نقطه نظر بنده است برای مخالفت.

واما از نقطه نظر علمی بنده آنچه مالیات وضع شده و در ستون عایدات درج شده است تمام بر خلاف اصول علمی است و یکی از روی اصول علمی نیست.

نه میزبانی شده است و نه مالیاتهای غیر مستقیم با یک طرز معاصری ایجاد شده است.

باندول تریاک را بکنند بکنند بکنند سی شاهی بکنند هم دوریال قرارداد اما نکته است چرا و از روی چه اصولی این اختلاف پیدا شده این اصول علمی است که این مالیات را با این اختلاف و این طرز گرفتن معنی می کند؟

در یکی از نظریات بنده کاغذهائی از آنجا دارم که از دیوار خانه سردم بالا میروند و میروند توی خانه و در ب صندوق زنش را میشکنند و تریاک قاچاق را میخواهند بیرون بیاورند.

این اصول علمی است که آقایانند که این بودجه روی اصول علمی تدوین شده است !!

ولی آقا توری که آقایان داور فرمودند فرمودند هر کسی پول توی جیبش وارد صیدیکش را بدردت بدهد آن بر خلاف اصول علمی است.

تمام دول دنیا هم اشتباه کرده اند و این برخلاف اصول علمی است.

بعلاوه اول چیزی که در مملکت از نقطه نظر اصول علمی در نظر گرفته میشود امتیاجات مردم است باید اول فهمید یک مملکتی چه چیز لازم دارد.

بعقیده بنده (بنده هر وقت موافق تقابل مالیات نیست) معتقدم باینکه باید دید که یک ملتی چه چیز لازم دارد آنها را بکطرف نوشت و بعد ببینند چقدر خرج دادند آن وقت باید بدلت گفت که این خرج نقطه نظر است.

اولاً از نقطه نظر علمی.

چون در موقعیکه مالیات تصاعدی مطرح بود یک ایرادات علمی در اینجا گرفته شد که این مالیات علمی نیست در این حال می بینم همان مخالفت این بودجه

از نقطه نظر احتیاجات هیچکدامش از روی اصول علمی تدوین نشده و برخلاف اصول علمی است.

واما از نقطه نظر چهار دیواری این بودجه چهار دیواری بعقیده بنده معنی است که ما یک پولهای داریم در یکجائی یک خطی را دورش میکشیم اجازه بدهیم ما برویم آن نووشا ببینیم ما هر کاری بخواهیم میکنیم معنی چهار دیواری اینست یا اینکه بنده بنویسم بگویم که پرواز لایق قدری پول بردارد و خرج کن نه صورت خرج داشته باشم نه بدانم این عواید از کجا باید بیاید و کجا خرج شود.

همینطور یک پولی بگیرد و بخرج کن این چهار دیواری است.

حالا توی این چهار دیواری چه عملیاتی میشود و چه بلاهاتی بر مردم میآید چه شلافهائی زده میشود و چند برابر مالیات از مردم گرفته میشود دو برابر و چهار برابر.

و چه خرجهای بیوده و چه کارهای خلاف قانونی میشود و چه برداشتهای غیر قانونی میشود.

از اینها خیلی در بودجه چهار دیواری هست.

این است که بنده با بودجه چهار دیواری مخالف هستم.

بالاخره معنای بارلمان و اصول حکومت بارلمانی این است که و کلاسی ملت بداند از کی پول گرفته میشود و به کی داده می شود و تا امروز در این مملکت نشسته است.

بنده معتقدم که تا اینطور نشود مملکت اصلاح نمیشود.

باید ما بدانیم این پولهای که گرفته میشود و آن بالا نوشته می شود بیست و سه میلیون و یک شصت و یک و ارقامی نوشته میشود ما نشان بدهند از کی گرفته میشود و بعد هم که اینجا در مخارج نوشته.

باید ششصد هزار تومان فوائد عامه هشتصد هزار تومان اینها هم بالاخره اثر خارجی از شان دیده نمیشود.

یعنی که خرجش را میدانم چه میشود و نه اثر خارجی از شان دیده نمیشود آخر باید یکی از این دوتا را ازش دید فقط آن پیشنهاد آقای مدرس بیک اثر خارجی داند.

برای اینکه می بینم که سر باز اینجا مشق میکنند بعد میروند جنگ و گشته می شود.

اگر از نقطه نظر اول ایرادی داشته باشد از نقطه نظر چون نتیجه دارد دل را خوش میکند که بصرف خودش رسیده و نتیجه هم دارد.

و اما مخالفت بنده با ستون عایدات بکیریم یک خرجی را هم بکنیم آنهم با اصول چهار دیواری پس این بودجه نه بواسطه گرفتن مالیات و نه از نقطه نظر مخارج و نه

حالا قطع نظر از اصول علمی با غیر علمی از صدسال صدویستسال و به ضمیمه شاید زودتر اینها یک یادگارهایی است که بر ایمن مانده و تماشای غیر عادلانه است و هیچکدام موافق با اصل و انصاف و مروت نیست .

یعنی از ضعیف در این مملکت تا امروز مالیات گرفته شده و از قوی گرفته نشده است .

حفظ بیشتر مالیات میدهند و اقویا پاهنج نینداده اند با اگر هم داده اند کمتر از آنچه که باید بدهند دادمانند این است عقیده بنده

مالیات در قرن بیستم در فرنی که، انفریقا را هم تمدن گرفته هنوز در این مملکت بطور قلیق گرفته میشود یعنی مأمور با شلاق میرود توی سر مردم میزند مالیات میگیرد

این اصول در جاهای دیگر دنیا باور نمیکردنی است یعنی اگر شا یک نفر مراکشی بگوید که در یک مملکتی با شلاق از مردم مالیات میگیرند باور نمیکنند .

ولی در این مملکت بطور قلیق و با اصول اجدادی مالیات را از مسردم میگیرند .

دوسورتیکه در تمام دنیا مالیات با اعلان گرفته میشود .

مثلا دولت اعلان میکند و مردم در سر موحد مالیات خود را میبرند میدهند برای اینکه میدانند که این مالیات بطور عادلانه و از روی اصول علمی از آنها گرفته میشود .

واز روی اصول علمی هم خرج میشود این است که مردم با طیب خاطر بعضی اعلان مالیات خود را میبرند میدهند .

ولی اینجا یعنی در مملکت ما اینطور نیست، چرا اینطور نیست؟

برای اینکه اولاً مالیاتی که از مردم گرفته میشود عادلانه نیست .

دوم اینکه میدانند برای مملکت صرف نیشور .

سوم اینکه از روی اصول علمی وضع و تدوین نشده است و با شلاق توی سر مردم میزند تا مالیات بگیرند .

تا امروز و تا الان که من اینجا هستم مأمورین مالیات بدتر از مأمورین دولت دارند در این مملکت آتش میسوزانند .

از یکجایی بن نوشته اند که مأمور قشونی بفرستند مالیات را بگیرند مأمور مالیات مأمور قشونی که فن او خشونت است مردم حاضر شده اند که آنها بروند مالیات بگیرند .

پس ببینید بچه ترتیب در این مملکت مأمورین مالیات از مردم مالیات میگیرند . مالیات مستقیم ۲ میلیون و هفتصد هزار تومان است .

مالیات مستقیم یعنی مالیاتی که راین مملکت از اراضی و املاک گرفته میشود . بنده عقیده ام اینست اگر میزبانی بشود از روی اصول علمی این مالیات دریافت شود اولاً باید بیش پنج برابر این مبلغ فعلی است و علاوه عادلانه هم خواهد بود و تمام مردم هم با طیب خاطر خواهند داد چرا بنده بود برای اینکه حضرت والا میفرمایند امروز این بودجه تصویب شود .

بنده عرض میکنم نباید بنالیه پول داد تا اینکه کار بکند .

خالفه جات علاوه بر عیوب دیگرش (اصلاً بنده مخالف با وجود خالصجات هستم تا کی باید در این مملکت خالصجات باشد) متأسفانه عایداتش سال بسال تنگس پیدا میکند و یک روزی میرسد که خالصجات فقط اسی خواهیم شنید .

برای اینکه یک کروم عوائد خالصه جات مال پنج تا ده اطراف طهران است ماها خودمان از اصول زراعت اطلاع داریم و میدانیم که این مبلغ عشر عایدات خالصجات است و مابقی آن حیف و میل میشود بنده شخصاً خود واسطه بودم و دیگر از مصلحتی خالصه را پیشنهاد داده و تقاضا کردم که بزمایه بگذارند و پول هم توی بانک گذاشته بود با احتیاط آنها ندادند و گفتند باید خودمان اداره کنیم و اینطوری که میبینید اداره کرده اند

اما راجع بنالیهات غیر مستقیم قضاوت آن را مراجعه میکنم بکیف آقایان که راجع بنالیهات تجدید و توافقی و مالیاتهای غیر مستقیم دیگر بجز مردم شکایت کرده اند تمام سؤالات از وزارت مالیه راجع بنالیهات که فلان جا مالیات نوازل میگیرند .

آقای سردار نصرت بخود بنده فرمودند که خارکش باید مالیات بدهد . این اصول تبعی است و در هیچ جای دنیاست .

در یک مملکتی که ادعا میکند حکومت ملی دارد و آنوقت این اصول معمول باشد قبیح است .

ضربانها همی هزار تومان عایدی دارد بنده بگروزر کسیون بودجه بودم گفتند صد هزار تومان مخارج از برای ضربانها برآورد شده بنده دیدم که آقایان اعضاء کسیون بودجه مخالفت کردند از بعدش دیگر درست مطلع نیستم . البته خودشان بهتر میدانند . جنس بنده مقایسه کردم جنسی را که بهتر پیش بینی شده است با آنچه که در لایحه که از طرف وزارت مالیه فرستاده اند و طبع شده است یک مقدار کلی کسر پیدا کرده است .

بنده این مقدار کسری جنسی را نه میبینم ملتش چیست .

مکن است یک قسمتش مربوط با بن باشد که اصالی محصول خالصجات اطراف

طهران نیک زده است و از مقدار آن کسر شده است .

ولی بنده می بینم که یک مقدار زیادی جنس در انبار از پارسال باقی مانده است بنابراین بیش از این باید پیش بینی شود و نیندازم بچه مناسبت اینقدر کم پیش بینی بشده است .

عوائد پست و تلگراف در سال ۱۳۰۴ که امسال است نهصد و نود هزار تومان پیش بینی شده و در سال گذشته که ۱۳۰۳ بوده است در آن سال هم در همین حدود معامله شده .

ولی در سال ۱۳۰۱ مطابق این رساله که خود وزارت پست و تلگراف منتشر کرده است یک میلیون و سصد و بیست و هفت هزار تومان عایدات داشته است و امسال تقریباً چهارصد هزار تومان تفاوت عایدی داشته است

بنده عقیده ام اینست که در این دو سال از نقطه نظر تجارت و بازشدن راهها و امنیت عمومی اوضاع بهتر بوده و کار هم در مملکت زیاد تر شده و تلگرافات هم نتیجه زیاد بودن کار است

در مملکت هر چه جریانات منصفیتی بهتر باشد باید عایدات پست و تلگراف زیاد تر باشد .

بنا بر این نیندازم این تنگس عایدات یعنی چهارصد هزار تومان تفاوت عایدی از کجا پیدا شده است ؟

صد یک حقوق .

اینجا بنده باز بگروزر کسیون بودجه بودم سؤال کردم که این یک مالیات جدیدی است که وضع شده ؟

آقای مخیر هم یادداشت کرده بودند که جواب بدهند بالاخره یک مذاکره ای با دولت شد

بنده عرض میکنم که این صد یک حقوق مخالف نمی توانیم مملکتی است این یک مالیات جدیدی است مثل مالیات بر عایدات و باید بجلس بیاید از نقطه نظر علمی حل و تصویب شود و الان با اینکه از نقطه علمی حل نشده با این حال صد یک حقوق را کسری میکنند دوسورتیکه ناله مردم از همه طرف بلند است

ا کسید و قرا کسید و قرا چیزی است که بنده سابقاً آنرا خوب میدانم و در این باب چیزهایی هم نوشته ام و در دوره چهارم هم که در اینجا مطرح بود گفتگوها و داد و فریادها شد .

بالاخره بعقیده بنده برخلاف مصالح مملکت و برخلاف حفظ عایدات دولت یک حقی داده شده است

بنده خودم در جنوب مسافرت کردم آنجا یک جزیره ایست و در آن جزیره یک معدن خاکی است که دیگر کندن و این چیزها را لازم ندارد فقط باید این خاک را جمع کرد و بعقیده بنده یک نوع از جواهرات

قیمتی این مملکت است و باید آنرا جمع کرد و توی کبسه و گونی نموده حمل کرد و آن کبابهای دیگر هم که در این موضوع پیشنهاد میکنند تقریباً برای هر تن که سه خروار و کسری است دو شلیک که تقریباً هفت قران باشد مخارج معین کرده بودند و آنوقت هر تن آن از سه لیره و نیم و تا چهار لیره قیمت دارد .

بالاخره چهار لیره برای هفت قران خرج صدی پنجاه بیک شخصی داده شد خیلی خوب . مجلس یک قانونی گذرانده است و آنرا داده است و قانون هم واجب الاماره است .

ولی بالاخره از این صدی پنجاه چیزی بدوات داده شده است یا نه ؟

بنده در صورت بودجه سال گذشته می بینم صد هزار تومان پیش بینی کرده اند یعنی ممکنست در صد هزار تومان عایدی داشته باشد و صد هزار تومان به دولت برسد .

اما اینجا نوشته است عایدات پیش بینی شده ا کسید و قرا صد هزار تومان ولی عایدات وصولی جلوش سفید است یک قران بدوات داده نشده است

بنده تحقیقات کردم گفتند مطابق یکی از مواد قانون سه ماه بعد از سال دیگر باید عایدات داده شود خیلی خوب الان هشت مساء از سال گذشته است اگر گرفته اند بنده میخواستم ببینم چقدر گرفته اند .

بنده تحقیق کردم در سال گذشته پانزده هزار تومان حق دولت شده است و صدی پنجاه دولت فقط پانزده هزار تومان شده است و در همان موقعی که این قانون تصویب میشد یک کمیته خارجی پیشنهاد داد که حاضر است سالی صد هزار تومان بدون هیچ شرطی بدوات بدهد و باو داده نشد .

این یکی از اطلاعات بنده است باز در بودجه سال گذشته از بابت شلیات دیدم یک چیز پیش بینی شده است و بیست و سه هزار و نه صد و چهارده تومان عایدات شلیات بود .

مسئله شلیات را اغلب آقایان میدانند و بعقیده بنده یکی از منابع بزرگ عایدی این مملکت است و اگر بتوانیم اداره کنیم (اگر بخواهیم میتوانیم اداره کنیم) سالی دو صد هزار تومان برای مملکت عایدی دارد در سال گذشته بیست و سه هزار و نه صد و چهارده تومان عایدی داشته است ولی امسال اصلاً اسمی از آن در بودجه برده نشده است حتی نپوشند که مایک شلیاتی هم داریم منتها هنوز موفق نشده ایم اداراتش را مرتب کنیم و عایداتش را جمع کنیم و بنده غلط میدانم که یک چنین مبلغ عایدی حتی دولت ایران اسمش در جزو مواد عایدی نوشته نشود .

خوب بود افلا ن نوشته میشد که راجع بشلیات مشغول اقدامات هستیم و افلا باید این طور نکات مراعات شود و اما مخالفت بنده با ستون خرج متأسفانه در بار سلطنتی که تصویب شده است و جای حرف هم نیست و بالعصده هفتاد هفتاد رأی هم داده شد .

مخارج وزارت جنگ نه میلیون و دو صد هزار تومان است و البته بودجه تفصیلی آن می آید و می بینیم و بنده از نقطه نظر نتیجه موافق با وزارت جنگ هستم و از نقطه نظر اداره هم کسیون بودجه باید وقت کند و بودجه آنجا را ملائطه کند و مخارجی که برای تأمین مملکت لازم باشد البته باید پیش بینی کند .

اما بعد از بودجه وزارت جنگ که نه میلیون و کسری است یک رقم بودجه وزارت مالیه است که سه میلیون و هفتاد هزار تومان است و یک قلم هم مخارج انتظامی است که یک کروزر و چهار صد هزار تومان است و تقریباً هفت کروزر و نیم خرج مالیه این مملکت است .

البته آقایان اغلب مطلع هستند که وصول مالیات خرج دارد و ابیاتهایی که وزارت مالیه وصول میکند

از قبیل مستقیم و خالصجات مخارج دارد ولی وقتی نگاه میکنیم می بینیم وزارت مالیه تقریباً هفت میلیون و نیم مالیات وصول میکند و در مقابل وصول این مبلغ هفت کروزر و نیم خرج میشود تقریباً صد و پنجاه و بنده اطلاع دارم .

در مسائل خارجه مالیاتهای مستقیمی که خرجش بیش از صد ده شود آن مالیات را انوم میکنند و همینطور مالیاتهای غیر مستقیمی که بیش از صدی پانزده یا صدی دوازده خرج داشته باشد آنرا مفید نیندازند و بعقیده بنده باید برای وصول مالیات مستقیم فقط بیست هزار تومان خرج کرد ولی در مملکت ایران نصف مبلغ وصولی خرج وصول آن میشود و این یک چیز خیلی تازه است و بنده وصول این قبیل مالیاتها را مخالف با اصول این مملکت می دانم و معتقدم که باید افوشود و از محل دیگر عایدات درست شود از قبیل وضع مالیات بر معاملات و هم چنین مالیاتهای دیگر که متناسب با دنیای امروز باشد .

ما میخواهیم پول از یک کسسته گریه و بدبخت بگیریم و بیک دسته گریه و بدبخت بدهیم و دلالت مظلوم بشویم .

اینکار ما را بالاخره بکجا میکشاند؟ بنده معتقدم که باید روی وزارت مالیه ایران و این میزها یک قلم نه کشید و در ب این مالیه را بست .

این مالیه برای مملکت ایران مضر است .

بنده عرض میکنم که نه عشر اجزای

این مالیه زیادی هستند و فقط یک عشر اجزاء کافی است .

عماد السلطنه مخیر کمیسیون بودجه - چرا زیادی هستند؟

شیر وانی - این چیز عجیبی است که توی این مملکت نمی خواهند گوش باین حرف بدهند .

بنده عرض میکنم که نه عشر اجزاء مالیه زیادی است .

پریروز آقای معاون وزارت مالیه که بنده ایشانرا خیلی تقدیس میکنم و یکی از عناصر شرافتمند با حیثیت و پاکدامن این مملکت میدانم و آطور بایشانی باز آمدند اینجا و از حق خود دفاع کردند .

یکی از مطالب خیلی خوبی که اینجا فرمودند این بود که فرمودند من شب وقتی بخانه ام میروم از بسرم خجالت می کشم که بمن بگویند تو فلان مبلغ برداشت کردی .

بنده عرض میکنم آنرا و آنهایی که زیر دست آقا در وزارتخانه کار می کنند و با آن حقوق گزافی که میگیرند وقتی که بخانه ایشان میروند هیچ فکر نمیکنند که با این ترتیب کار در این مملکت پیشرفت نمی کند .

بنده عرض میکنم آنرا و آنهایی که زیر دست آقا در وزارتخانه کار می کنند و با آن حقوق گزافی که میگیرند وقتی که بخانه ایشان میروند هیچ فکر نمیکنند که با این ترتیب کار در این مملکت پیشرفت نمی کند .

این را چه جواب میدهند؟

بنده بنده این یک برداشت آبرومندان است که حق میدهند بخودشان که ماهی دو صد و پنجاه تومان یا سیصد تومان برداشت کنند و یکی از چیزهایی است که ما هم میخواهیم اجازه بدهیم .

یکی از اقلامی که بنده در ستون مخارج دیدم شهریه است اگر چه بایست شهری هم بنده کاغذ نوشته اند و بنده حمله کرده اند ولی همانطور که اول عرض کردم بنده از این چیزها نیتیرسم و اگر هم طرفداری از سردار سهی کردم برای اینست که او را ناجی این مملکت میدانم و از او هم نیتیرسم و با شهری بگیری مفتخوارها هم مخالف بشهریه یعنی چه ؟

در تمام دنیا در مقابل خدمت طولانی نسبت بمملکت یک پولهایی داده میشود ولی شهری به عنوان اینکه آفاشخص محترمی هستند .

خیلی خوب بنده هم خدمتشان ارادت دارم ولی برای چه از رعیت جوشقانی سه شاهی سه شاهی بگیرند و یک قلم بیک کسی بدهند ؟

بنده این قلم را پول نامشروعی میدانم که در این مملکت داده میشود .

یک نفر از نمایندگان - اینطور نیست .

شیر وانی - بسیار خوب در موقعش اجازه بگیرند و فرمایششان را بکنند .

بنده اینجا می بینم که بودجه عدلیه که هشتصد هزار تومان بوده است یک

مرتب باین آمده است و هشتصد هزار تومان شده است .

البته از حسن اخلاق آقای وزیر بوده است و الا اینطور تبدیل و تقلیل بودجه یک چیز فریبی است .

بنده می بینم وزارتخانههای دیگر که یکصدری قوی بوده اند و میتوانستند دفاع کنند چیزی از آنها کسر نشده است ولی یک مرتبه در دست هزار تومان از بودجه عدلیه کسر شده است و همانطور که آقای دامقانی فرمودند عدلیه در رأس این مملکت است .

ما در مملکت باید تأمین قضائی ایجاد کنیم .

بالاخره تا کی باید باین وضع نیتیرسد که کتیم ما تجارت نداریم زیرا تأمین قضائی نداریم .

زندگی ما مختل است برای اینکه تأمین قضائی نداریم .

شرکت در مملکت نیست برای اینکه تأمین قضائی نیست .

باید قبل از همه چیز در مملکت تأمین قضائی ایجاد کنیم ولی یک مرتبه بدون متعلق در دست هزار تومان از بودجه عدلیه زدن و هدین اندازه بر بودجه مالیه اضافه کریم این چیز فریبی است .

در راپرت دکتر میلیسیو در موقعی که بودجه یک دوازدهم مطرح بود عرض کردم یک از قلمی به عنوان دیون عمومی نوشته شده بود .

در آن بالا نوشته شده بود دیون عمومی و در زیر آن نوشته شده بود و مساعدت و یک مساعدت هائی از یک سرافاضانه گرفته بود .

بنده گفتم اگر قرض است که بدون اجازه مجلس حق ندارند بگیرند جواب دادند آوانس است .

بنده بدینوقت این رجوع کردم بالاخره باین موضوع برخوردیم که در کابینه آقای مشیرالدوله میخواستند یک کروزر آوانس بگیرند و آمدند در مجلس و مجلس هم در یازدهم جوزای ۱۳۰۱ اجازه داد که بروند آوانس بگیرند .

بنده تقدیس میکنم آن دولتها را که تا این درجه و وظایف خود را می شناسند اصلاً مساعدت یعنی چه ؟

آنوقت هم ارقام هولناک بودجه پارسال اینجا است و در آن هواید پیش بینی شده مخارج هم پیش بینی شده که بیست و دو میلیون و کسری است برایرت دکتر میلیسیو رئیس مالیه که مراجع میکنیم و می بینیم تقریباً پانزده کروزر آوانس گرفته اند و بعد تا اواسط سال یک قدرش را داده اند و فعلاً ما سه میلیون و نیم مقروض هستیم .

مخیر یعنی دکتر میلیسیو به بانک مقروض است .

بودجه پیش بینی شده حاضر است ولی من نیندازم آن سه میلیون و نیم از کجا پیدا شده .

یک جمله را در خود کمیسیون بودجه نوشته اند الباقی نهصد و نود و چهار هزار و صد و سی و هشت تومان و در ملاحظاتی می نویسد از مبلغ فوق مبلغ نهصد هزار و نهصد و چهل و یک تومان بابت استهلاك دیون جدیدی است که بخرج آورده اند و کمیسیون نمی تواند فعلاً این مبلغ را باین عنوان نیتیرسد .

رئیس - اینکه مطرح نیست **شیر وانی -** جزء بودجه است **مخیر -** جزء بودجه نیست **شیر وانی -** چون تکذیب فرمودند بنده هم کان لم یکن فرض می کنیم در اینجا در موقعی که لایحه مالیات تصاصدی مطرح بود گفته شد که این مملکت ضعیف است این مردم بیچاره گدا از کجا میتوانند بعد از آنکه بیش از هزار تومان عایدی پیدا کردند بیایند ماهی هشت قران به دولت بدهند و آقایان کزرونی و شاهزاده معد ولی میرزا بنام بردخاک برای ملت چه کردند بسیار خوب بنده هم تقدیس میکنم کزرونی بهره گفتم علمی نیست

شیر وانی - از این ملتی که آقای کزرونی طرفدارش هستند بیست و سه میلیون فقط از یا برهنه های آن گرفته میشود و من حساب کردم میزان عایدی تخمینی که از مالیات بر عایدات در صورتیکه چهل نفر متمول که در سال هر کدام صد هزار تومان عایدی داشته باشند هشتصد هزار تومان عایدی از این اشخاص گرفته میشود .

حالا بنام بردخاک این لایحه که بنظر آقا بلید و بنظر من مقدس است دارد میبرد ولی این لایحه که میخوانند بیست و سه میلیون از این مردم بدبخت بیچاره بگیرند میگویند آخر حال است و رأی بدهید خیر بنده با این بیست و سه میلیون مخالف و با آن ششصد هزار تومان موافق هستم .

یکی از مسائل دیگر که بنده در این بودجه دیدم کسر اشل است و من می بینم که تقیباً شامل نصف این بودجه شده است ولی شامل نصف دیگر شده است و من نیندازم از چه نقطه نظر این کسر غیر عادلانه پیدا شده است .

یک کروزر بودجه در بار است هیچ کسرا اشل پیدا نکرده است و در صورتی که از ثبات سی و دو تومان کسر کرده اند میخواستند از بودجه در بار هم کسر کنند .

یک نفر از نمایندگان - کسر کردند **شیر وانی -** آنرا مجلس کسر کرد و آنهم در موقع تبدیل بودجه نبود ولی حالا که می خواهند بودجه را تبدیل کنند از سی و دو تومانی کسر میکنند ولی از چهارصد هزار تومانی کسر نمیکنند .

از حقوق وزراء کسر نمیکند آیا آن
 مقصد و بجهت تومانی کسر اشل ندارد
دست غیب - اگر آقای شیروانی
 اجازه بدهند تنفس داده شود
شیروانی - هنوز خیلی از حرفهایم
 باقی است لکن بنده عرض خود را مختصر
 میکنم و از آقایان هم اجازه می خواهم سؤال
 آیا بنام هم عقیده هستند که این مملکت
 بالاخره بودجه میخورد وقتی که ما معتقد
 باشیم که مملکت باید بودجه داشته باشد
 آنوقت راه عملی آنرا پیدا میکنیم
 بعتیه بنده راه آن اینست که اجازه
 پول دادن بدولت نداریم
 نظرم هست در موفقی که آقای سرادار
 معظم و کبیل بودند یک پیشنهاد بسیار خوبی
 که از لفظکار خوب ایشان بود مجلس
 تقدیم کردند و مجلس هم پذیرفت و
 فوراً بکمیسیون بودجه وقت
 بقیه بنده برای تأیید همان نظریه
 و شاید من یک قسمت از این فکر را از
 روی لایحه پیشنهادی ایشان گرفته ام معتقد
 هستم باید بودجه مملکتی تعدیل شود
 بنده ممکن است یک روزی موافق
 بشوم که اجازه چهار دیواری داده شود
 ولی با امید اینکه این مملکت بالاخره بودجه
 پیدا میکند یعنی کمیسیون بودجه دولت
 بروند نوی یک طاق و در راه بنده و
 احتیاجات مملکت را ملاحظه کنند و عوارض
 را سنجند و آنوقت مالیاتهای جدید وضع
 کنند و مخارج جدید بنویسند و بیابانند
 مجلس آنوقت بنده آنرا بودجه میدانم
 ولی بنده این را بودجه میدانم فقط
 یک اجازه چهار دیواری میدانم برای اینکه
 نوی آن چهار دیوار هر کار میخواهند
 بکنند اینرا بنده بمنزله ایجاد یک چهار
 دیوار دور این مؤسسات خراب میدانم
 یکی از مسائلیکه بعتیه بنده باید گفته شود
 والته خارج از ازناتک و خارج از موضوع
 هم عرض نمیکند
 برای اصلاح مالیه ما از جاهای دیگر
 دنیا کمک آورده ایم و فریب دو مال هم هست
 که اینجا آمده اند دو موردیکه یک هده
 اشخاصی که از بیانی نوی مالیه بردانند و
 زحمت کشیده اند معاون یا مدیر کل شده اند
 و از روحیات این مملکت هم مطلع
 هستند
 بالاخره باید برای این مملکت یک مالیه
 اصلاح شده درست کنند
 دو سال است که یکی از آن طرف
 دنیا آورده ایم و سالی ستهزار تومان هم
 پول مدعییم بازم بودجه درست نداریم
 مگر در اول دوره چهارم در کابینه آقای
 قوام السلطنه که ایشان یک بودجه چهار
 دیواری بمجلس آوردند
 مدرس خیر بودجه تفصیلی بوده
 شیروانی آن بودجه که بنده عرض

کردم تفصیلی نبوده است و اگر هم تفصیلی
 بوده سی هزار تومان شهریه بود است که
 ریزش در یک همچو کتابی است
 بنده هم از اینکه در ایض خدمت آقایان
 مقبول بیفته بامردود و اعراض از اینکه بعتیه
 حضرت والا شاهزاده محمد ولی مرزا غیر
 علمی باشد یا اینکه بفرمانند از روی مسلک
 است
 بنده آنروز هم در خارج عرض کردم
 که دارای مسلک هستم و تمام مسائل و
 اصلاحات هم باید از روی مسلک بشود یکی
 هم در وضع مالیات است و یکی از آن مالیاتها
 ثیرام که بنده با آن موافق مالیات تصاعدی
 است و ایشان بسلك و فکر حوان تعطفه
 کردند ولی بنده طرفدار فکر جوانم دیا
 اصول گفته هم کلاما مخالف هستم کثافت
 و بیادیرام دلیل بر خوبی نماند - سینه
 بنده هم بر آن است و آدم خائن و شیش هم
 بشود بیروزش بنده هم این عقیده من
 است
 سخنر بیان اولیه آقای شیروانی و
 هم چنین بیاناتی که در آخر کردند چون
 مربوط بکمیسیون بودجه نبود جواب عرض
 نمیکند و مسائلرا که فرمودند بنده یاد
 داشت کردم و یکی یکی جواب عرض میکنم
 اول فرمودند که من با پیشنهاد آقای مدرس
 موافقم
 آقای مدرس آنروز یک پیشنهادی
 کردند ولی من تصور نمیکند همچو
 پیشنهاد کرده باشند که تا آخر سال بودجه
 امنیه و نظریه و قشون داده شود و بودجه
 باید وزارتخانهها دادند شود
 پیشنهاد ایشان فقط برای همان یک
 ماه بود که یک تمجیلی در آوردن بودجه
 مملکتی بشود والا تصور نمیکند یک نفر
 پیدا شود و بگوید که بودجه دو وزارتخانه
 را بدهند و بقیه راندهند بجه مناسب
 شیروانی - عقیده بنده این است
 مخبره همان تأمین قضائی را که
 خودتان اینجا این قدر از آن تعریف و
 تمجید کردید
 بجه مناسب قاضی بود آنجا و تا
 آخر سال حقوق نگیرد و چون مستخدمین
 وزارت مالیه که شما این قدر از آنها تنقید
 کردید بجه جهت مستخدمیکه در ماه چهل
 تومان یا صد تومان حقوق میگرد آخربرج
 حقوقش را بگیرد
 دیگر اینکه اظهار کردند با چهار جزء
 این بودجه مخالفند و شرح هم دادند
 اولاً راجع بچهار دیواری یک تعریفی
 کردند که منایش این نبوده است و فرمودند
 که مالیات چهار یا پنج برابر میشود این
 مربوط بودجه چهار دیواری و هم چنین یک
 شرحی هم راجع بگرفتن مالیات و از امت
 اظهار کردند این هم باز مربوط بودجه
 چهار دیواری نیست و علاوه این بودجه هم
 شیروانی آن بودجه که بنده عرض

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 دوره پنجم
 آن بودجه چهار دیواری که ایشان عرض
 کردند نیست
 شیروانی - بدتر است
 مخبر خوب بدتر یا بهتر است اگر
 راپرت کمیسیون بودجه را که بنده دارم
 بدقت ننخوانده اند برای اینکه راجع به
 یک حقوق یک اظهاراتی فرمودید و اگر
 قرائت کرده بودید میدیدید که این بودجه
 چهار دیواری نیست
 برای اینکه بودجه جزء وزارتخانهها
 تمام آمده است
 علاوه مطابق یک ماده از قانون هم که
 میگوید وزارتخانهها تا بودجه جز نشمارا
 توسط وزارت مالیه بمجلس نفرستند حق
 اخذ حقوق ندارند
 این یکی از موادی است که بالاخره
 شما تصویب خواهید کرد پس این بودجه
 چهار دیواری نیست بلکه بودجه تفصیلی
 است که اشخاص آن معین و مخارجش هم
 مشخص است و در دو یا پنج روز دیگر هم
 بمجلس میآید یک موضوع دیگر این بود
 که فرمودند مالیاتها غیر عادلانه است این
 را کمیسیون بودجه و مجلس هم تصدیق
 دارند که غیر عادلانه است و بهین دلیل قانون
 میزنی را بمجلس تقدیم کرده اند و الان در
 کمیسیون قوانین مالیه مطرح است شور
 اول آن تمام شده و شور دوم آن هم عقرب
 تمام خواهد شد اگر میخواهید مالیاتهای
 عادلانه وضع شود بنده خواهش می کنم
 سر این طور مسائل جزئی آن قدر نیچید و در
 ظرف یکی دو روز بودجه جمع و خرج
 مملکت را تصویب کنید پس از آن مالیات
 تصاعدی تصویب شود بعد هم لایحه میزنی
 حاضر است تصویب شود آنوقت تمام مالیاتها
 عادلانه خواهد شد
 آقا اینکه اظهار فرمودید مالیات از
 ضما گرفته میشود و از افتخار گرفته نمیشود اینطور
 نیست زیرا اگر ضعیف هستند چیزی
 ندارند که از آنها مالیات گرفته
 شود
 یک شرحی شکایت از مأمورین مالیه
 کردید و خیلی هم زیاد روی در این موضوع
 شد البته مأمورین جزو وزارتخانه ممکن
 است صالح باشند یا غیر صالح اگر یک
 مأموری بی اعتمادی کرده باشد نمیشود گفت
 که ما مالیه لازم نداریم غیر - باید بوزارت
 مالیه یا مقامات مربوطه اظهار کرد که آن
 مأمور را مطابق قانون مجازات کنند
 مجازات کردند
 آقای قاسمید بقویب - همانطور که ممول را
 مجازات کردند
 مخبر اما راجع بمالیات مستقیم فرمودید
 که اگر میزنی شود پنج برابر خواهد شد
 این را بنده اطلاع ندارم مجلس نمیتواند
 این را پیش بینی کند که اگر میزنی شود پنج
 برابر خواهد شد زیرا قاعده کلی
 ندارد
 شاید یکجا دو برابر اضافه شود یک

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران
 صفحه ۳۰۱
 مجلس گذشته است و آن قانونهم مقدس
 و حتی الاجراست حالا اگر یک کسی در
 این میانه فایده ببرد یا نبرد آن مربوط
 بنایست
 اما این که گفته صد هزار تومان
 پیش بینی شده است و در لایحه که از وزارت
 مالیه رسیده است وصول آن در آن جا
 معلوم نیست
 اولاً هر عایدات پیش بینی شده نباید
 حتماً همانقدر که پیش بینی شده است وصول
 شود ممکنست یک عایدی که صد هزار
 تومان پیش بینی شده صد و پنجاه هزار تومان
 وصول شود یا اینکه پنجاه هزار تومان
 وصول شود علاوه خودتان جواب خودتان
 را دارید
 مطابق یکی از مواد قانون امتیاز حاج
 معین سه ماه از سال دوم باید عایدات
 سال پیش را بدهد ممکنست تا آن موقعی
 که شما صورت خواسته اید بازنده هزار
 تومان وصول شده است بعد هم وصول
 شده است
 بنده نمیتوانم عرض کنم که تا دینار
 آخر صد هزار تومان وصول میشود خیر
 یک عایدات پیش بینی شده که سهم دولت
 ایران است مالیه وصول خواهد کرد تا
 دینار آخرش بدون اینکه یکشاهی حیف
 و میل شود
 راجع بودجه وزارت مالیه اینجاست بعتیه
 بنده خواستید سفته کنید و بی انصافی
 میکنید میگویند برای وصول هفت میلیون
 ونیم هفت روز و نیم خرج میشود اینطور
 نیست
 اولاً بودجه وزارت مالیه که اینج
 نوشته شده است سه میلیون و هفتاد هزار
 تومانست یکی از مخارج انتفاعی است و مربوط
 به مالیه نیست
شیروانی - فرق نمیکند
 مخبر شما آمده اید که اگر از اینجا
 موضوع می کنید شصدهزار تومان خرجش
 را موضوع نمی کنید در حساب نمی فهم
 چطور حساب کرده اید که عایدات هفت
 میلیون و نیم شده است در صورتی که
 اینطور نیست
 همان عایدی خالص وزارت مالیه را
 وقتی حساب کنید خیلی بیش از این مبلغی است
 که شما میفرمایید
شیروانی - خیر
 مخبر - آقا این صورتست جلوتان
 جمع کنید دود تا چهار تا میشود
 یکی دیگر راجع بشهریه و مستعربان
 فرمودید که من مخالفم این دلیل نمیشود که
 شما مخالفید کمیسیون بودجه هم
 مخالف باشد
 کمیسیون بودجه تصویب کرده است
 مجلس هم تصویب کرده غالب اینهاست مستخدمین
 چهل ساله پنجاه ساله صحیح العمل دولت
 هستند که بدولت خدمت کرده اند و امروز

که بیرون ضعیف شده اند حقوق قاعد و
 مستعرب میگیرند و بعد از اینکه مردند بد
 وراثشان باید بدهند
 اینجا راجع بودجه وزارت عدلیه
 اعتراض کردید اگر چه یک قسمت راجع
 بقوت و ضعف آقای وزیر عدلیه بود بنده
 عقیده دارم که قوت ایشان کمتر از سایرین
 نبوده است
 علاوه شما حق ندارید اضافه بر
 پیشنهاد دولت حرف بزنید و پیشنهاد کنید
 خود هیئت دولت و آقای وزیر عدلیه یک
 مبلغی را پیشنهاد کردند ما که نمی توانیم
 بگوئیم کم است بپاچه زیرا ایشان با همان مبلغ
 پیشنهادی میتوانند اداره کنند
 یک قسمت هم راجع با و اس فرمودید
 اینهم که در راپورت کمیسیون بودجه چیزی
 نیست که شما تصویب کنید هر وقت کمیسیون
 بودجه راپورتی داد شما داخل مذاکره
 می شوید
 یک قسمت راجع به بیست و سه میلیون
 که فرمودید از یا برهنه گرفته می شود
 اگر حقیقتاً پاره شده است که بیست و سه
 میلیون ندارد بیست و سه شاهی هم ندارد
 چطور ممکنست پاره شده بیست و سه میلیون
 پول بدهد البته هر کس عایدی تار دارد باید
 مالیات بدهد
 یک قسمت راجع بکسراشل فرمودند
 که چرا از بودجه دربار و زراعت کسر
 نشده است
 این اشل چیزیست که ایجاد شده قانون
 استخدام است و در همان قانون استخدام
 مینویسد و زراعت و دربار مشمول قانون استخدام
 نیستند
شیروانی - متأسفانه
 مخبر - متأسفانه با خوشخانه من
 کاری ندارم و مطابق قانون نمیشود چیزی
 از آنها کسر کرد ولی اگر بنسبت کسر
 اشل نگاه کنیم گمان می کنم از دربار بیش از
 کسر محولی کسر شده است
 اما چون اسمی از اشل بردید اگر
 چه شاید مناسب باشد ولی باید عرض کنم
 بنده اگر راجع باشم مذاقه می کنم
 خودم مخالف هستم ولی مجبورم که از
 عقیده کمیسیون دفاع کنم ولو اینکه
 اکثریت علاوه یک نفر باشد اگر چه تنها
 بنده مخالف نبودم و سه نفر دیگر یعنی
 آقایان مشیرالدوله، مشیر معظم و ارباب
 کبخیرو هم مخالف بودند ولی اکثریت
 کمیسیون رأی داد و بنده مجبور بودم در
 اینجا دفاع کنم
رئیس - اگر اجازه می فرمائید
 جلسه ختم شود جلسه آتی روز یکشنبه
وزیر عدلیه - لایحه ایست راجع به
 قانون تجارت تقدیم مجلس میشود
رئیس - آقای حاج عزالمالک
 (اجازه)
حاج عزالمالک - بنده بعد از

دستور عرض دارم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 (اجازه)
آقا سید یعقوب - بنده از مجلس
 و مقام ریاست تقاضا میکنم برای همین
 صحبتهایی که آقای عداد السلطنه و شیروانی
 فرمودند که کلاً زیاد داریم و حقیقه هم
 همینطور است مجلس را مرتباً هفته پنج
 روز قرار بدهیم که تکلیف بودجه معین
 شود وارد تارهای اساسی شویم
رئیس - پیشنهاد آقای یاسائی قرائت
 می شود
 (شرح آتی قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم که جلسات علنی
 مجلس در طرف عصر دو ساعت بعد از ظهر
 تشکیل شود
یاسائی - البته آقایان تصدیق میکنند
 که ما برای وضع قوانین در حدود احتیاجاتی
 که مردم دارند در اینجا جمع شده ایم و
 مملکت محتاج یک سلسله اصلاحات اساسی
 است و مقدمه آنها هم وضع قوانین است که
 ما قاعدیم
 هر مجلس دو سال بیشتر نیست یک
 سالش گذشته است جلساتی هم که تشکیل
 می شود در هفته سه روز غالباً در دو ساعت
 یکساعت و نیم مذاکراتی میشود و ختم
 میشود و هنوز موفق تصویب یک قانونی
 نشده ایم در وقت صبح آقایان دیرتر می
 آیند و روزها هم کوتاه است فوری ظهر
 میشود اینست که وقت نداریم یک مقدار کرات
 مفصلی در اطراف موضوع بکنیم
 لهذا بنده عقیده ام اینست که اگر جلسه
 طرف عصر تشکیل شود آقایان زودتر
 می آیند و اگر هم امتدادی پیدا کند تا یک
 ساعت و دو ساعت از شب گذشته اشکالی
 ندارد و ممکنست تا چهار ساعت در قسمتهای
 عصر کار کنیم و صبحها هم در کمیسیونها
 برای قسمتهای دیگر حاضر شویم همانطور
 که دوره گذشته هم قسمت عصر بیشتر
 کار می شد
 حالا بنده عقیده ام اینست که طرف
 عصر جلسه تشکیل شود زیرا اگر ابرار
 اینست که راه دور است یا پرف و باران
 و گدست که صبحها هم همینطور است و اگر
 برای تاریکی است که چراغ برق هم جا
 هست
رئیس - آقای عدل الملک
 (اجازه)
عدل الملک - راجع باین مطلب
 بنده مخالفم زیرا اینکه آقای یاسائی
 یادآوری می فرمایند که یک ساعتی معهود
 هست و آقایان دیر می آیند این مسئله در
 عصر هم ممکنست هر ساعتی را معین کنند
 دیر بیایند ولی صبحها هم کس معیار و
 دماغش آماده تر است و فکرش هم آزاد تر است
 و تمهید مدت هم با ناها از مناقات ندارد اغلب
 اوقات تا دو بعد از ظهر هم طول می کشد

سمی کنند زودتر جلسه تشکیل شود و از یکطرف هم عجله نداشته باشند که زودتر بروند بهتر است مثل اینکه حالا صبحها از چهار بظهر مادو به از ظهر جاهای دیگر کار میکنند اشکالی ندارد که آقایان صبحها ساعت سه و نیم بظهر بیایند و یک و نیم بعد از ظهر بروند .

از آنطرف رهات اشخاصی که برای تماشای میانه واریاب جرائد را هم باید کرد و در فصل زمستان هم اشکالی از برای آنها نباید فراهم کرد .

از این جهت اگر آقایان اجازه بفرمایند که جلسات بعد از این سه ساعت و نیم قبل از ظهر تشکیل شود و یک ساعت و نیم بعد از ظهر تمام شود و بعد از آن وقت ظهر بظهر بیاید و بعد از ظهر تمام شود و بعد از ظهر تمام شود و بعد از ظهر تمام شود .

این یک ساعت و یک ساعت و نیم هم بود و از این یک ساعت و یک ساعت و نیم هم بود و از این یک ساعت و یک ساعت و نیم هم بود .

نمیکنم بنابراین خوب است همان اوقات سایر را رعایت کنیم با امتداد .

وزیر فواید عامه اگر چه همین جلسات مجلس از وظیفه دولت نیست و از مواد داخلی مجلس است ولی نظر باینکه همکاری ما بین دولت و مجلس مسلم است از این نقطه نظر تعیین جلسات مجلس البته مؤثر در هر کاری است .

از طرف دیگر حضور وزراء در جلسات علنی مجلس در صبح سبب بازماندن از کار های وزارتخانه است و بنده عقیده ام این است که اگر آقایان اجازه بفرمایند عصر جلسه تشکیل شود و خارج از صبح باشد بهتر است .

بعضی از نمایندگان صحیح است .

مشارع نظام با مربوط نیست - بنده اجازه میخواهم مخالقم .

رئیس - رای میگیریم آقایان که پیشهاد آقای تدین را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای رهنما .

(شرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم جلسه در هر هفته چهار روز تشکیل شود .

رئیس - آقای رهنما

رهنما - آقایان نمایندگان مسیوقند که کارهای کمیسیونها خیلی زیاد شده و هم در کمیسیونها تصویب شده است و بودجه هم حالا مطرح است و تمام مقررین کمیسیونها را بر تفرقه خودشان داده اند و یک قسمت مراجع مالیات است ، یک قسمت مراجع سایر لواحق است و بالاخره ما با این ترتیب در هر هفته تقریباً شش ساعت بیشتر در مجلس کار نمی کنیم و وقتی که وارد پارلمان میشود دو ساعت و نیم بظهر است تا جلسه تشکیل شود دو ساعت بظهر است با این حال حالا

که عصر را تصویب نمی کنند خوب است تصویب بفرمایند که در هفته چهار جلسه باشد که بکارها رسیدگی شود .

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - موافقم

رئیس - آقای عماد السلطنه (اجازه)

عماد السلطنه - همان دلالتی که آقای رهنما فرمودند نظر بکارهای زیادی که در کمیسیونها هست بنده منقسم که جلسات مجلس هفته سه روز باشد که کمیسیونها مشغول کار خودشان باشند زیرا وقتی که هفته چهار روز باشد آنوقت یک روز از جلسات کمیسیون گرفته میشود مخصوصاً کمیسیون قوانین مالیه ، قوانین عامه و بودجه که اینها کار های مهمی دارند و نباید حاضر کنند .

فلا بنده چیز های زیادی نمی بینم باین جهت عقیده بنده اینست که همان هفته سه روز باشد و کمیسیونها هم مشغول کار خودشان باشند وقتی که لواحق زیادی حاضر شد آنوقت هفته پنج شش روز می کشد .

رئیس - رای میگیریم پیشنهاد آقای رهنما آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده برخاستند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای محمد ولی میرزا قرائت میشود .

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم جلسات تا دو ساعت بعد از ظهر تشکیل و ادامه داده شود .

محمد ولی میرزا مال بنده نیست شیروانی - مال بنده است

رئیس - بفرمایند

شیروانی - بنده همی بین آقایان طرفدار های صبح و عصر دلالتی میآورند و میگویند برای اینکه خیلی کار کنیم بنده می خواهم بین نتیجه عملی چه چیز است .

فلا سه ساعت و نیم بظهر وقت معین شده است بنده می بینم در صورت جلسات هیچوقت ما از دو ساعت بظهر زودتر نیامده ایم و یک ساعت و نیم ساعت بعد از ظهر هم جلسه را ختم می کنیم یک روز هم یک آدم روده درازی مثل من دو ساعت حرف میزنم بنابراین بنده پیشنهاد کردم تا دو ساعت بعد از ظهر جلسات ادامه داده شود تا نظریه آقایان هم تأمین شده باشد .

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

شیخ الرئیس - بنده در تمام ادوار مجلس هیچوقت ندیدم که برای آخر مجلس هم وقت معین کنند .

آخر جلسه اگر کار داریم البته مقرر

شده است که شب تا ساعت پنج و شش اینجا بوده ایم و زودتر نیمه حالاهم کار داریم و نشسته ایم اگر کار نداریم یک ساعت و نیم بنشینیم اینجا بیکار که مجلس رای داده است که ما مثل اشخاص روزه دار اینجا بنشینیم اگر کار داریم می نشینیم اگر کار نداریم میرویم .

شیروانی - اینطور نمیکند .

شیخ الرئیس - خوب اگر نمی کشیم میرویم .

بنده که همیشه رسالت از همه زودتر می آید از اداره مباشرت تحقیق کنید که بهترین دلیل بنده است .

امسال بنده نیم ساعت فقط دیر آمدم در هر دو سال بنده از همه زودتر سر وقت آمدم آقایان دیگر که دیر می آیند یک فکری برای آنها بکنند نه اینکه پیشنهاد بکنند که سایرین متنبه بشوند و الا آن کس که زود می آید تقصیر ندارد تا ساعت چهار از شب رفته بیاید اینجا بنشیند .

تقصیرش اینست که دیگری دیر آمده است این چه مجازاتیست ؟

رئیس - رای می گیریم به پیشنهاد آقای شیروانی .

آقایان که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(جمعی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - آقای نجات پیشنهاد کرده اند تا یک ساعت بعد از ظهر توضیحی دارید ؟

نجات - حرف زیاد زده شده .

رئیس - موافقین با پیشنهاد آقای نجات قیام فرمایند .

(عده قبلی برخاستند)

رئیس - رد شد - پیشنهاد آقای مستهد السلطنه .

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم بجهت اینکه ریاریت کمیسیون بودجه زودتر از مجلس بگذرد در هفته آتی به جلسات مجلس از سه بعد از ظهر تشکیل شود .

بعضی از نمایندگان - رد شده است .

رئیس - آن بطور مطلق بود ، اینطور مقید است

مستهد السلطنه - پیشنهادی که آقای تدین کردند بطور دائم بود پیشنهاد بنده بطور موقتی است .

ریاریت کمیسیون بودجه تقریباً سیزده چهارده ماه است چهار پنج جلسه است وقت مجلس میگذرد و هنوز شور در کلیات آن تمام نشده .

امروز بیست و هشتم قمر است ، دو سه روز دیگر دولت ناچار خواهد شد که یک لایحه بگذارد و بعد از آن مجلس را برای اینکه تا برج بعد تکلیف بودجه معلوم شده باشد و مستخدمین ادارات حقوق

خود را بگیرند .

بنده عقیده دارم که در هفته آتی بطور موقت جلسات از سه بعد از ظهر تشکیل شود شاید موفق شویم که در ظرف چهار پنج جلسه ریاریت کمیسیون بودجه را تصویب کنیم .

مهمترین ریاریتهای دیگری که تقدیم شده است و بواسطه نبودن وقت جزء دستور نشده و معوق مانده است آنها هم تکلیفش معین شود .

رئیس - رای میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای آقا سید مقرب .

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تا بودجه ملکیتی مطرح شورا است جلسات هر روز باشد

آقا سید مقرب - بنده دلیلی ندارم بودجه ملکیتی باید تمام شود لهذا بنده بنده تقاضا میکنم باستثناء روز جمعه آقایان عالیجنابی کنند که جلسات مرتباً تشکیل شود بعد از آن که کمیسیونها تمام شده باشد .

رئیس برای میگیریم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب ، آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - عرض بنده تنها راجع باین یک هفته نیست بطور کلی است و معلوم است که در ضمن این مطلب تأیید میکنم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب را

بنده معتقدم که مجلس باید هر روز منفذ شود و هر روز هم چهار ساعت پنج ساعت شش ساعت هفت ساعت کار بکند تا کارها تأخیر نیفتد

اگر بناه است که ترتیب مهمی بدهیم و مراعات آنچه در سایر ممالک میشود بکنیم باید مجلس ما همانطور باشد یعنی هر روز منقسم شود و سه ماه یکمرتبه چهار ماه یک مرتبه ده یا نوزده روز تعطیل شود اما بدستگاه اینجا یک طوری شده است که تمام ادارات ساعت معین دارد و تمام آنها یکدیگر در زیر حکم قانون ملکیتی می آیند هفت ساعت کار معین دارند در مجلس که هم قوانین را خودش معین میکند جلسات الان هفته سه روز است آنهم از ساعت شروع میشود و در ساعت دوازده پیشنهاد میکنند جلسه ختم شود . بالاخره کارهای دولت چه میشود ؟ بودجه ملکیت چه میشود ؟ تمام مستخدمین منتظر حقوق هستند ، این همه اوضاع که در کمیسیونها مانده است چه میشود .

ما خودمان می نشینیم برای تشکیل مجلس رای می دهیم برای تفصیلی می دهیم و میریم و میرویم بالاخره در هفته چهار پنج ساعت بیشتر صحبت نمیشود که چهار ساعت صحبت قبل از دستور است که در واقع یک چیزهایی است که در هیچ جای دنیا

دریغ نشده است و این است که کار ما معوق می ماند .

قانون مالیات بر عایدات شروع شد و در وسط ختم شد و وقت تا شامه دیگر . حالا بودجه هم بود و مجلس سری و خصوصاً تشکیل میشود و مردم منتظر میشوند که کی بودجه از مجلس میگذرد .

لذا بنده پیشنهاد میکنم (اگر چه پیشنهاد کمیسیون داده ام) که اولاً مجلس همه روزه بجز روز جمعه تشکیل شود تا موثقی که مطالب بجائی نرسیده است ممکن است دستوران درست کنند آقایان غدا بخورند و مجلس مجدداً منعقد شود .

اگر این پیشنهاد بنده قبول نشود برای بودجه بخصوص بنده پیشنهاد میکنم که هر روز جلسات منعقد شود .

رئیس - رای میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای آقا سید مقرب .

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تا بودجه ملکیتی مطرح شورا است جلسات هر روز باشد

آقا سید مقرب - بنده دلیلی ندارم بودجه ملکیتی باید تمام شود لهذا بنده بنده تقاضا میکنم باستثناء روز جمعه آقایان عالیجنابی کنند که جلسات مرتباً تشکیل شود بعد از آن که کمیسیونها تمام شده باشد .

رئیس برای میگیریم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب ، آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - عرض بنده تنها راجع باین یک هفته نیست بطور کلی است و معلوم است که در ضمن این مطلب تأیید میکنم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب را

بنده معتقدم که مجلس باید هر روز منفذ شود و هر روز هم چهار ساعت پنج ساعت شش ساعت هفت ساعت کار بکند تا کارها تأخیر نیفتد

اگر بناه است که ترتیب مهمی بدهیم و مراعات آنچه در سایر ممالک میشود بکنیم باید مجلس ما همانطور باشد یعنی هر روز منقسم شود و سه ماه یکمرتبه چهار ماه یک مرتبه ده یا نوزده روز تعطیل شود اما بدستگاه اینجا یک طوری شده است که تمام ادارات ساعت معین دارد و تمام آنها یکدیگر در زیر حکم قانون ملکیتی می آیند هفت ساعت کار معین دارند در مجلس که هم قوانین را خودش معین میکند جلسات الان هفته سه روز است آنهم از ساعت شروع میشود و در ساعت دوازده پیشنهاد میکنند جلسه ختم شود . بالاخره کارهای دولت چه میشود ؟ بودجه ملکیت چه میشود ؟ تمام مستخدمین منتظر حقوق هستند ، این همه اوضاع که در کمیسیونها مانده است چه میشود .

ما خودمان می نشینیم برای تشکیل مجلس رای می دهیم برای تفصیلی می دهیم و میریم و میرویم بالاخره در هفته چهار پنج ساعت بیشتر صحبت نمیشود که چهار ساعت صحبت قبل از دستور است که در واقع یک چیزهایی است که در هیچ جای دنیا

دریغ نشده است و این است که کار ما معوق می ماند .

قانون مالیات بر عایدات شروع شد و در وسط ختم شد و وقت تا شامه دیگر . حالا بودجه هم بود و مجلس سری و خصوصاً تشکیل میشود و مردم منتظر میشوند که کی بودجه از مجلس میگذرد .

لذا بنده پیشنهاد میکنم (اگر چه پیشنهاد کمیسیون داده ام) که اولاً مجلس همه روزه بجز روز جمعه تشکیل شود تا موثقی که مطالب بجائی نرسیده است ممکن است دستوران درست کنند آقایان غدا بخورند و مجلس مجدداً منعقد شود .

اگر این پیشنهاد بنده قبول نشود برای بودجه بخصوص بنده پیشنهاد میکنم که هر روز جلسات منعقد شود .

رئیس - رای میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای آقا سید مقرب .

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تا بودجه ملکیتی مطرح شورا است جلسات هر روز باشد

آقا سید مقرب - بنده دلیلی ندارم بودجه ملکیتی باید تمام شود لهذا بنده بنده تقاضا میکنم باستثناء روز جمعه آقایان عالیجنابی کنند که جلسات مرتباً تشکیل شود بعد از آن که کمیسیونها تمام شده باشد .

رئیس برای میگیریم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب ، آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - عرض بنده تنها راجع باین یک هفته نیست بطور کلی است و معلوم است که در ضمن این مطلب تأیید میکنم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب را

بنده معتقدم که مجلس باید هر روز منفذ شود و هر روز هم چهار ساعت پنج ساعت شش ساعت هفت ساعت کار بکند تا کارها تأخیر نیفتد

اگر بناه است که ترتیب مهمی بدهیم و مراعات آنچه در سایر ممالک میشود بکنیم باید مجلس ما همانطور باشد یعنی هر روز منقسم شود و سه ماه یکمرتبه چهار ماه یک مرتبه ده یا نوزده روز تعطیل شود اما بدستگاه اینجا یک طوری شده است که تمام ادارات ساعت معین دارد و تمام آنها یکدیگر در زیر حکم قانون ملکیتی می آیند هفت ساعت کار معین دارند در مجلس که هم قوانین را خودش معین میکند جلسات الان هفته سه روز است آنهم از ساعت شروع میشود و در ساعت دوازده پیشنهاد میکنند جلسه ختم شود . بالاخره کارهای دولت چه میشود ؟ بودجه ملکیت چه میشود ؟ تمام مستخدمین منتظر حقوق هستند ، این همه اوضاع که در کمیسیونها مانده است چه میشود .

ما خودمان می نشینیم برای تشکیل مجلس رای می دهیم برای تفصیلی می دهیم و میریم و میرویم بالاخره در هفته چهار پنج ساعت بیشتر صحبت نمیشود که چهار ساعت صحبت قبل از دستور است که در واقع یک چیزهایی است که در هیچ جای دنیا

دریغ نشده است و این است که کار ما معوق می ماند .

قانون مالیات بر عایدات شروع شد و در وسط ختم شد و وقت تا شامه دیگر . حالا بودجه هم بود و مجلس سری و خصوصاً تشکیل میشود و مردم منتظر میشوند که کی بودجه از مجلس میگذرد .

لذا بنده پیشنهاد میکنم (اگر چه پیشنهاد کمیسیون داده ام) که اولاً مجلس همه روزه بجز روز جمعه تشکیل شود تا موثقی که مطالب بجائی نرسیده است ممکن است دستوران درست کنند آقایان غدا بخورند و مجلس مجدداً منعقد شود .

اگر این پیشنهاد بنده قبول نشود برای بودجه بخصوص بنده پیشنهاد میکنم که هر روز جلسات منعقد شود .

رئیس - رای میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای آقا سید مقرب .

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تا بودجه ملکیتی مطرح شورا است جلسات هر روز باشد

آقا سید مقرب - بنده دلیلی ندارم بودجه ملکیتی باید تمام شود لهذا بنده بنده تقاضا میکنم باستثناء روز جمعه آقایان عالیجنابی کنند که جلسات مرتباً تشکیل شود بعد از آن که کمیسیونها تمام شده باشد .

رئیس برای میگیریم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب ، آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - عرض بنده تنها راجع باین یک هفته نیست بطور کلی است و معلوم است که در ضمن این مطلب تأیید میکنم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب را

بنده معتقدم که مجلس باید هر روز منفذ شود و هر روز هم چهار ساعت پنج ساعت شش ساعت هفت ساعت کار بکند تا کارها تأخیر نیفتد

اگر بناه است که ترتیب مهمی بدهیم و مراعات آنچه در سایر ممالک میشود بکنیم باید مجلس ما همانطور باشد یعنی هر روز منقسم شود و سه ماه یکمرتبه چهار ماه یک مرتبه ده یا نوزده روز تعطیل شود اما بدستگاه اینجا یک طوری شده است که تمام ادارات ساعت معین دارد و تمام آنها یکدیگر در زیر حکم قانون ملکیتی می آیند هفت ساعت کار معین دارند در مجلس که هم قوانین را خودش معین میکند جلسات الان هفته سه روز است آنهم از ساعت شروع میشود و در ساعت دوازده پیشنهاد میکنند جلسه ختم شود . بالاخره کارهای دولت چه میشود ؟ بودجه ملکیت چه میشود ؟ تمام مستخدمین منتظر حقوق هستند ، این همه اوضاع که در کمیسیونها مانده است چه میشود .

ما خودمان می نشینیم برای تشکیل مجلس رای می دهیم برای تفصیلی می دهیم و میریم و میرویم بالاخره در هفته چهار پنج ساعت بیشتر صحبت نمیشود که چهار ساعت صحبت قبل از دستور است که در واقع یک چیزهایی است که در هیچ جای دنیا

دریغ نشده است و این است که کار ما معوق می ماند .

قانون مالیات بر عایدات شروع شد و در وسط ختم شد و وقت تا شامه دیگر . حالا بودجه هم بود و مجلس سری و خصوصاً تشکیل میشود و مردم منتظر میشوند که کی بودجه از مجلس میگذرد .

لذا بنده پیشنهاد میکنم (اگر چه پیشنهاد کمیسیون داده ام) که اولاً مجلس همه روزه بجز روز جمعه تشکیل شود تا موثقی که مطالب بجائی نرسیده است ممکن است دستوران درست کنند آقایان غدا بخورند و مجلس مجدداً منعقد شود .

اگر این پیشنهاد بنده قبول نشود برای بودجه بخصوص بنده پیشنهاد میکنم که هر روز جلسات منعقد شود .

رئیس - رای میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای آقا سید مقرب .

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تا بودجه ملکیتی مطرح شورا است جلسات هر روز باشد

آقا سید مقرب - بنده دلیلی ندارم بودجه ملکیتی باید تمام شود لهذا بنده بنده تقاضا میکنم باستثناء روز جمعه آقایان عالیجنابی کنند که جلسات مرتباً تشکیل شود بعد از آن که کمیسیونها تمام شده باشد .

رئیس برای میگیریم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب ، آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - عرض بنده تنها راجع باین یک هفته نیست بطور کلی است و معلوم است که در ضمن این مطلب تأیید میکنم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب را

بنده معتقدم که مجلس باید هر روز منفذ شود و هر روز هم چهار ساعت پنج ساعت شش ساعت هفت ساعت کار بکند تا کارها تأخیر نیفتد

اگر بناه است که ترتیب مهمی بدهیم و مراعات آنچه در سایر ممالک میشود بکنیم باید مجلس ما همانطور باشد یعنی هر روز منقسم شود و سه ماه یکمرتبه چهار ماه یک مرتبه ده یا نوزده روز تعطیل شود اما بدستگاه اینجا یک طوری شده است که تمام ادارات ساعت معین دارد و تمام آنها یکدیگر در زیر حکم قانون ملکیتی می آیند هفت ساعت کار معین دارند در مجلس که هم قوانین را خودش معین میکند جلسات الان هفته سه روز است آنهم از ساعت شروع میشود و در ساعت دوازده پیشنهاد میکنند جلسه ختم شود . بالاخره کارهای دولت چه میشود ؟ بودجه ملکیت چه میشود ؟ تمام مستخدمین منتظر حقوق هستند ، این همه اوضاع که در کمیسیونها مانده است چه میشود .

ما خودمان می نشینیم برای تشکیل مجلس رای می دهیم برای تفصیلی می دهیم و میریم و میرویم بالاخره در هفته چهار پنج ساعت بیشتر صحبت نمیشود که چهار ساعت صحبت قبل از دستور است که در واقع یک چیزهایی است که در هیچ جای دنیا

دریغ نشده است و این است که کار ما معوق می ماند .

قانون مالیات بر عایدات شروع شد و در وسط ختم شد و وقت تا شامه دیگر . حالا بودجه هم بود و مجلس سری و خصوصاً تشکیل میشود و مردم منتظر میشوند که کی بودجه از مجلس میگذرد .

لذا بنده پیشنهاد میکنم (اگر چه پیشنهاد کمیسیون داده ام) که اولاً مجلس همه روزه بجز روز جمعه تشکیل شود تا موثقی که مطالب بجائی نرسیده است ممکن است دستوران درست کنند آقایان غدا بخورند و مجلس مجدداً منعقد شود .

اگر این پیشنهاد بنده قبول نشود برای بودجه بخصوص بنده پیشنهاد میکنم که هر روز جلسات منعقد شود .

رئیس - رای میگیریم آقایان موافقین قیام فرمایند .

(عده قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - پیشنهاد آقای آقا سید مقرب .

(اینطور خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم تا بودجه ملکیتی مطرح شورا است جلسات هر روز باشد

آقا سید مقرب - بنده دلیلی ندارم بودجه ملکیتی باید تمام شود لهذا بنده بنده تقاضا میکنم باستثناء روز جمعه آقایان عالیجنابی کنند که جلسات مرتباً تشکیل شود بعد از آن که کمیسیونها تمام شده باشد .

رئیس برای میگیریم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب ، آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - عرض بنده تنها راجع باین یک هفته نیست بطور کلی است و معلوم است که در ضمن این مطلب تأیید میکنم پیشنهاد آقای آقا سید مقرب را

بنده معتقدم که مجلس باید هر روز منفذ شود و هر روز هم چهار ساعت پنج ساعت شش ساعت هفت ساعت کار بکند تا کارها تأخیر نیفتد

اگر بناه است که ترتیب مهمی بدهیم و مراعات آنچه در سایر ممالک میشود بکنیم باید مجلس ما همانطور باشد یعنی هر روز منقسم شود و سه ماه یکمرتبه چهار ماه یک مرتبه ده یا نوزده روز تعطیل شود اما بدستگاه اینجا یک طوری شده است که تمام ادارات ساعت معین دارد و تمام آنها یکدیگر در زیر حکم قانون ملکیتی می آیند هفت ساعت کار معین دارند در مجلس که هم قوانین را خودش معین میکند جلسات الان هفته سه روز است آنهم از ساعت شروع میشود و در ساعت دوازده پیشنهاد میکنند جلسه ختم شود . بالاخره کارهای دولت چه میشود ؟ بودجه ملکیت چه میشود ؟ تمام مستخدمین منتظر حقوق هستند ، این همه اوضاع که در کمیسیونها مانده است چه میشود .

ما خودمان می نشینیم برای تشکیل مجلس رای می دهیم برای تفصیلی می دهیم و میریم و میرویم بالاخره در هفته چهار پنج ساعت بیشتر صحبت نمیشود که چهار ساعت صحبت قبل از دستور است که در واقع یک چیزهایی است که در هیچ جای دنیا

عایدات خودش حساب کند حالا که بنا
سختی سرباز میگیرند دیگر این کلمه معنی
ندارد

یکی دیگر کلمه مالیات غیر مستقیم
است که این کلمه کش دارد و معلوم نیست
این مالیات غیر مستقیم چیست و با این اسم
چه عملیاتی بر مردم میکنند

در بعضی جاها یک رشته در بعضی جاها
دورشته و در بعضی جاها پنج رشته بر مردم
تحصیل میکنند

آن وقت در سال پنجم همین حالا
حز و عایدات حساب میکنند و میانند می
گویند عایدات ما اینقدر است و در مقابلش
هم اینقدر مخارج داریم

اصال قریب شش ماه است همدانی
ها متعصب هستند... تعظم دارند که یک
مالیاتهایی بر ما تحصیل میکنند و هیچ تکلیفشان
معلوم نیست

این عملیات را میکنند آنوقت سال
دیگر هم میانند میگویند فلاقت عایدات
ما است در مقابلش هم یک مخارجی می
تراشند

یکی از چیزهایی که باسم مالیات غیر
مستقیم میگیرند باجهائی است که در راهها
از مردم مطالبه میشود

باید صورت این مالیاتهای غیر مستقیم
بمجلس بیاید که ما هم بدانیم از روی چه
قاعده و قانونی این مالیاتها را میگیرند

مثلا یک انومیل که از اینجا بفرم تو
میرود باید هفتاد تومان باج بدهد و معلوم
نست این مالیات از روی چه قاعده
است

یکی دیگر مسئله ضرابخانه است که بر
داشته اند یکی دیگر عایدات متفرقه است
بنده این را نفهمم این دیگر چه مالیاتی
است

مالیات مستقیم غیر مستقیم و ضراب
خانه وغیره که هست این دیگر چه مالیاتی
است

بنده ملتفت نشدم و معنیش این است
که هر چه می خواهید از مردم میگیرند

یکی هم مسئله نیم عشا و اوقاف است
این یکی از مالیاتهای تازه است که مجلس
هم آنرا تصویب نکرده است

در صورتیکه مالیاتی که سابقه نداشته
است باید بمجلس بیاید و پس از تصویب مجلس
بگیرند

این مسئله نیم عشا و اوقاف راهم بنده
نفهمم

یکی دیگر مسئله عواید نظمی است
که آن را هم بنده نفهمم

نظمی یک وظیفه دارد که وظیفه اش
دزدگیری است یا اینکه کسی شرارت یا
هرزگی بکند اوجاب کننده و تنظیم عاید
نمایند و اینجا یک عواید مبنی برای نظمی
نوشته اند

مسئله دیگر مسئله عواید معا کما

عاید است که اینجا یک صدویست هزار تومان
عواید معا کما را نوشته اند بلی فرضاً عشر
هم بگیرند ولی در صورتیکه یک صد عاید شصت
هزار تومان خرجش باشد میخواستیم
بچه دلیل عایدات صدویست هزار تومان
شده است

برای این است که عاید کار نمیکند
اینهمه معا کما مردم چهار سال و پنج سال
همینطور مانده معلوم است عاید کار نمیکند
که اینقدر عایداتش شده است

مسئله دیگر مسئله عواید است
الآن قریب سه ماه است که در مرکز
تیمیر نیست و حال آنکه در سابق مذاکره
میشد برای تمام عواید دولت تیمیر قرار
دهند

آن کار را که نکردند بستجانه هم
که همیشه تیمیر داشت حالا چند ماه است
تیمیر ندارد و معلوم نیست یک کاغذ را که
میبورند در آنجا چه میشود فقط یک مهر
روی آن میزنند

سابقاً من که پول میدادم در مقابلش
تیمیر میدادند

ولی حالا فقط یک مهر میزنند و معلوم
نست که آن کاغذ بمقتضای سدیان سدی
اینجا یک چیزهایی است که بنده بنده
باید درست شود

دیگر مسئله اکسید دوفراست که
آقای شیروانی آنروز اشاره کردند
پارسل هم در مجلس آمد بنده مخالف
بودم و صورتیکه بمجلس آوردند خود آن
کسیکه کتیرات کرده بود صد هزار تومان
نقضا کرده بود بنده

حالا اینجا پنجاه هزار تومان نوشته
شده بنده نمیدانم چرا اینطور شده در صورتی
که آنطور ایشان میگفتند هر تنی بیشتر
از دوشینک خرج ندارد و چهار لیره فروش
میرسد و مطابق همان صورتیکه پارسل
آوردند بنده در پشت همین تریبون عرض
کردم سالی دویست هزار تومان بیشتر
عایدی داشت

نمیدانم حالا چرا اینجا پنجاه هزار تومان
رسیده است

مسئله دیگر مسئله موسسه زهنی است
اولاً این مسئله از چیزهای مضر
است

تا با اخلاف شرع است و البته همه آقایان
تصدیق میکنند که در مملکت اسلامی مسئله
موسسه زهنی مضر و بر خلاف شرع
است

زیرا یک فرعی میگیرند که معلوم نیست
از روی چه قاعده است در حقیقت برای
همین است و اجازه دادن اینکه دولت از این
قبیل عواید پولی بگیرد معنیش تصویب
یک امر خلاف شرعی است این را هم بنده
مخالفم

مسئله دیگر مسئله عواید متفرقه است که

در دو جا نوشته اند
آرام باید بفرمایند بعدی آید درس
مخارج مخارج وزارت مالیه همان
طور که آنروز مذاکره شد هفت کرور
نوشته شده است

این هفت کرور در مخارج گمرک است
که هیچ چون گمرک بازنده کرور عایداتش
است یک کرور از هفت کرور مخارج مالیه
در مقابل بازنده کرور عایدات گمرک هیچ
الباقی شش کرور در مقابل شانزده کرور
عایدات که تقریباً صد چهل میشود

چون عوایدی را که عایدیه پایست تلگراف
یا سایر ادارات میگیرند غیر از عایدات مالیه
است

آنجا جمع کرده عواید مالیه میدهند
یکی دیگر استهلاك دیوان دولتی است
بنده نمی دانم استهلاك دیوان دولتی
چیست

آیا اینهایی که امروز در مجلس متعصب
هستند یا در خارج هستند حساب این ما هم
جزء این دیون هست یا خیر

اگر هست جهت اینکه اینها را
مستثنی کرده اند چیست؟ اگر هم هست
آنها تصریح بفرمایند که تکلیف آنها هم
معلوم شود

یکی هم مخارج انتفاعی است
در وقتی که صورت مخارج انتفاعی را
آورده بودند بنده درام چهار هزار ریاضند
تومان برای مخارج خالصجات همدان نوشته
بودند

همان وقت هم بنده با آقایان عرض کردم
همدان خالصه غیر انتفاعی ندارد

حالا خالصه انتالی داشته باشد نمی
دانم حتی چنین چیزی هم ندارد ولی خالصه
غیر انتفاعی که دولت خودش در آنجا عمل
کند که هیچ ندارد

استند تمام این بود که اینصورت مخارج
انتفاعی را بیاورند که ما هم ببینیم تا موافق
شویم

این بود عرض بنده
رئیس - آقایان سالار شکر طهرانی
و آقای سیدی بقوب پیشنهاد کرده اند که
مذاکره در کلیات کافی است

جمعی از نمایندگان - (با همه)
کافی نیست چه چیز کافی است
(صدای زنگ رئیس)
رئیس - آقای طهرانی
(اجازه)

آقای شیخ محمد علی طهرانی -
در کلیات فقط باید مذاکره این بشود
که آیا بودجه لازم است یا خیر؟
و عایدی ما از کجا است و مخارج ما
چیست؟
ما در این چهار پنجروزه که وقتان
را صرف کلیات کردیم تماش در روی
مواد حرف زدیم

چند جلسه هم باید در هر ماده آن
صحبت کنیم آقایانم که هفته پنج جلسه را
تصویب نمیفرمایند باین ترتیب که پیش
میرود و بالاخره منتهی میشود بمجلس
شیروانی - میخواستند بودجه اول
سال بیاورند

طهرانی - بنابر این بهتر این است
مذاکرات در کلیات را کافی بدانند و داخل
در مواد بشویم

هر اعتراضی که در هر ماده هست در
آن مذاکره بشود

بعضی از نمایندگان - صحیح است
بعضی دیگر - صحیح نیست
رئیس - آقای درویش گفت مذاکرات
مخالفند؟

درویش - بنده مخالفم برای اینکه
میبینم مهمترین مسائل مسئله بودجه مملکتی
است که ما با یک سهل انگاری در آن
نظر میکنیم

در ممالکی که خیلی از ما پیش ترند و
ترقیاتشان زیادتر است بودجه شان مرتب
است و تفکیک بودجه مطرح میشود

بنده در خاطر دارم در یکی از ممالک
خارج (چه) چون نمیخواهم وقت آقایان را
باین مسائل صرف کنم ولی گاهی انسان ناچار
میشود

در فرانسه دویست و هفتاد و خورد و هفتاد
در موضوع بودجه شده بود

این اندازه در موضوع بودجه دقت
میکند ولی اینجا در یک بودجه که از
سر تا پایش غلط است

(بعضی نمایندگان صحیح است) اساسش
غلط است (صحیح است) - تشکیلاتش
غلط است و الان قریب هجده سال است
که هر وقت مجلس هست بودجه بمجلس
میآید قریب پنج شصت در کمیسیون بودجه
در آن گفتگو میشود و بالاخره در حدود
همان تشکیلاتیکه حاضر است یک کارهایی
میکند و در آخر سال با یک بودجه چهار
دیواری یا یک چیز فنیلی که معلوم نیست
از روی چه قاعده نوشته شده است بمجلس
میآید وقتی هم که بمجلس آمد آقایان
میگویند آخر سال است نباید وقت را تلف
کرد و باید عجله کرد و زود تر رأی
داد

عرض میکنم بالاخره باید یک روزی
این مملکت دارای یک تشکیلات صحیحی
بشود یا خیر؟

آقایان باید بدانند که در موقعیکه
بودجه مطرح است باید این مذاکرات
بشود و در همین بودجه هم باید مذاکرات
کاملی بعمل آید تا کمیسیون بودجه این
بودجه را پس بگیرد و از روی یک اساس
یک تشکیلات صحیحی مجدداً بودجه را
نوشته و بمجلس بیاورند والا با این ترتیب
با این عجله که در روز است چهار پنج نفر در
آن صحبت کرده اند

آقایان میگویند مذاکرات کافی است
و میخواهند رأی بدهند

اگر اینطور است چرا اصلاً بخودتان
زحمت بدهیم؟ خوب است اساساً بگوئیم
بیست و سه میلیون عوائد دولت است و
بیست و سه میلیون هم مخارجش برود خرج
کند

رئیس - رأی میگیریم بکفایت
مذاکرات

آقایانی که مذاکرات در کلیات را
کافی میدانند قیام فرمایند
(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست و
آقای انتشار -

آقای مغیر - میخواهند اظهار رأی
کنند

مغیر - اعتراضاتیکه آقا فرمودند
غالباً جوابهایش را خودشان هم میداندند
منتهی خواستند از طرف بنده عرض شده
باشد

راجع بخانوار بکنه فرمودند البته
خودشان میدانند خانواری همانست که
فرمودند و در حقیقت چیزیست که مربوط
بسر باز است

شیروانی - مربوط بسرنیست

مغیر - شانمیدانید ولی خود اعتراض
میکند علاوه هر وقت موقع سطق شما شد
تشریف بیاورید اینجا و هر اعتراضی دارید
بفرمایید آنوقت بنده هم جواب میدهم
شیروانی - مالیه میگوید

مغیر - بلی مالیه میگوید... بدهی است
در صورتیکه سر باز بنده سرباز خود را نهد
باید این مالیات خانواری را بپردازد و البته
باید مالیات مسراع و مواشی خود را
بپردازد

ملنی ضمن این مالیاتها مربوطه باین
است که قانون میزبانی بگذرد تا کلیه این
مالیاتها نشود ولی قبل از آنکه قانون
میزبانی نگفته اگر بخواهید باین قبیل مالیاتها
وعوائد دولتی لغو شود دچار یک کسر
بودجه سنگینی خواهید شد

با این حال البته اگر مجلس تصویب
کند که نگیرند کمیسیون بودجه هم این
قلم را از جزو عایدات حذف خواهد
کرد

راجع بمالیاتهای غیر مستقیم و ضمناً
باجهای راهها فرمودند باج را مربوط
بمالیات غیر مستقیم نیست مربوط بمخارجی
است که در خود راه میشود

مالیات غیر مستقیم آن چیزهایی است
که از تصویب مجلس گذشته است

راجع بعواید متفرقه فرمودند چیست؟
یک قلمش را حالا بنده از باب مثل عرض
میکند

در وزارت مالیه یک تصدیقاتی میسند
یک سواد هائی میدهند و باین قبیل نوشتجات

یک تمبری الصاق میکنند و فرضاً بنظر آن
این یکی از عوائد متفرقه است و از این
قبیل راجع بمسئله نیم عشا و اوقاف فرمودند
مالیات تازه است خیر تازه نیست سابقاً
وزارت علوم و اوقاف میگرفت حالا توسط
مالیه گرفته میشود

یک قسمت راجع بعوائد نظمی فرمودند
عوائد نظمی هم مربوط بهمان عشا و اوقاف
است که از اموال مسروقه گرفته میشود
چیز تازه نیست

راجع بعوائد معا کما عایدیه فرمودند
که چرا صدویست هزار تومان است این
مسئله هیچ دلیل نه شود ممکن است یکسال
سیصد هزار تومان باشد یعنی احکام بیشتر
در عایدیه اجراء شده باشد و یکسال کمتر
باشد

این دلیل نمیشود که چون عایدیه متعصب
هزار تومان مخارج دارد هفتصد هزار تومان
هم عایدی داشته باشد ممکن است یکسال
عایدیش باشد

یکی هم راجع بتمبریست فرمودند
و این ایراد اساسی آقا بود که چرا با
اینکه دولت و وزارت بست و تلگراف
اطلاع دارند که هنوز مسائل طبع تمبر در
ایران موجود نیست (تا انشاء الله ضمیمه
مجلس درست بشود) ترتیبی کرده اند یعنی
بی احتیاطی کرده اند که حالا تمبر نداشته
باشند

میکند علاوه هر وقت موقع سطق شما شد
تشریف بیاورید اینجا و هر اعتراضی دارید
بفرمایید آنوقت بنده هم جواب میدهم
شیروانی - مالیه میگوید

مغیر - بلی مالیه میگوید... بدهی است
در صورتیکه سر باز بنده سرباز خود را نهد
باید این مالیات خانواری را بپردازد و البته
باید مالیات مسراع و مواشی خود را
بپردازد

ملنی ضمن این مالیاتها مربوطه باین
است که قانون میزبانی بگذرد تا کلیه این
مالیاتها نشود ولی قبل از آنکه قانون
میزبانی نگفته اگر بخواهید باین قبیل مالیاتها
وعوائد دولتی لغو شود دچار یک کسر
بودجه سنگینی خواهید شد

با این حال البته اگر مجلس تصویب
کند که نگیرند کمیسیون بودجه هم این
قلم را از جزو عایدات حذف خواهد
کرد

راجع بمسئله خاکسرخ فرمودند این
قسمت را بنده در جلسه قبل هم عرض کردم
اگر آقا جزو مغالین دوره چهارم بوده اند
با انتقال یک رأی داده شد است و البته تا
مدت ده سال رأی داده شده است آن رأی
واجب الاجراء است مگر اینکه برخلاف
موادیکه بجای معین اعتبار داده شده رفتار
شود و الا تا موقعی که آن
امتیاز باقی است حق مشروع اوست

راجع بمسئله بیوسه زهنی فرمودند
که خلاف شرع است خود بنده هم در
اساس با آقا موافق ولی گمان میکنم خلاف
شرع نباشد

البته آقای مدرس بهتر میدانند ولی چون
بمنوان حق الحفاظه گرفته میشود خلاف
شرع نیست

راجع بمسئله استهلاك دیون دولتی
فرمودند که آیا آقایانیکه در مجلس متعصب
هستند حساب آنها هم جزو این دیون دولتی
محسوب میشود یا خیر؟ خیر این استهلاك
دیون دولتی مربوط به داخله نیست مربوط
بمخارج است که یازده هزار و کسری لیره
است که تسعیر میشود و ما هیانه پرداخته

آنها مدرسه درست نکردند این را در چه وقت
باید عرض کنم؟

راجع بمخارج انتفاعی و مخارج خالصه
غیر انتفاعی همدان فرمودند بلی این یک
اشتباهی بود که در آن صورتیکه از وزارت
مالیه فرستاده شده بود کرده بودند
چهارصد و پنجاه تومان هم بود نه چهار هزار
و ناصد تومان و همانطور که فرمودند همدان
خالصه غیر انتفاعی ندارد و این مربوط
بمستقلات آن بوده است و اشتباهاً اینطور
نوشته شده

صورت جزء مخارج انتفاعی را هم
اگر بخواهید در کمیسیون حاضر است ممکن
است آقایان اجازه بفرمایند طبع شود یا
اگر خود آقا بخواهند ممکن است تشریف
بیاورند ملاحظه بفرمایند

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

دست غیب - در قانون منطبق که ما
بیشترها میخوانیم این طور بود که همیشه
میگفتند تصور قبل از تصدین است هیچوقت
صاحب عقل کاملی و عقل ناقصی نمیتواند خیال
کند که تصدین قبل از تصور است این جا
بأین ترتیب بودجه آوردن بمجلس بنده
می بینم تصدین قبل از تصور شده زیرا ما
میخواهیم رأی بدهیم یک چیزی که تصورش
را نکرده ایم و علم بجزئیات آن نداریم

تصور قبل از تصدین مسلم است ولی
تصدیق قبل از تصور سابقه ندارد یک بودجه
چهار دیواری (باصطلاح دوره چهارم)
بمجلس آورده اند که بنده از اضا که کمیسیون
بودجه اگر سر تایای او را دقت بفرمایند
چیزی از آن مفهوم نمیشود چرا؟ برای
اینکه اینجا یک قلم عایدات دارد و یک قلم
مخارج که معلوم نیست عایداتش چه طور
مرتب شده و مخارجش چه طور

علاوه بر این در موضوع تشکیلات اصلاً
و تفکیک یک و کیلی بخواهد حرف بزند جایش
در همین جا هست

مثلاً اگر و کیلی بخواهد بگوید که
تشکیلات وزارت داخله صحیح نیست جا
ندارد اولاً در وقتی که بودجه مطرح است
و اگر جای دیگری آقایان مراغ دارند
بفرمایند تا بنده در آن موقع عرض کنم
بنده تشکیلات وزارت داخله را صحیح
میدانم یا فرض میخواهم بگویم تشکیلات
وزارت معارف صحیح نیست از روی دلیل
و برهان باید بگوئید جای این حرف کجا
هست؟

بنده بنده جایش همین جا است اگر
یک و کیلی بخواهد بگوید تشکیلات
وزارت معارف صحیح نیست از روی برهان
و منطق جایش همین جا است برای اینکه
حاج میرزا عبدالوهاب هم فرمودند که کمال جای
تصدیق است

باید دید یک ملک چند جا باید مالیات
بدهد؟ آیا کسی که مکی را وقف میکند
تصدیر کرده

باید بنده جایش در همین جا است
اگر از وزارت معارف سؤال کنیم از بنده میاس
سؤال کنیم از بنده میاس تا بشهر و تمامه
خلیج فارس از اول تا آخر وزارت معارف
چه کرده جواب میگویند بودجه محل
ندارد پس جایش اینجا است که من
بگویم بانسکیلات وزارت معارف مخالفم
و همینطور در موضوع وزارت داخله که
اگر سؤال کنیم چرا در بنادر تشکیلات
ندارید میگویند وقتی که بودجه مطرح
بود دیدیم برای آنجا محل نداریم چرا
تصویب کردید

اگر کسی میخواست در موضوع تشکیلات
وزارت داخله حرف بزند جایش همان جا
بود

پس این تصدین قبل از تصورات که
ما رأی بدهیم در حالتیکه تصور این را
نکرده ایم

از قرار اصلاحی که من دارم معلین
مدارس (باز این یک حرفی است که آقایان
تصور نکنند راجع بجلب و تعیب است)
خدا میداند اینطور نیست بنده شنیده ام که
حقوق سنبه معلین مدارس را هنوز
ندادند پس از اینکه من بطور خصوصی
سؤال کردم چرا تا اکنون نداده اند گفتند
رئیس کل مالیه گفته است صورت ریز
مدارس را تا بن نهید پول نمیده ام

صورت ریز معلین را رئیس مالیه
بخواهد تا پول بدهد اما بنده که میخواهم
تصویب کنم صورت ریز نمیخواهم

رئیس کل مالیه بخواهد ببیند که
در مرکز و در ولایات چند نفر معلم است و
چه میکنند که آنوقت پول بدهد ولی بنده
که و کیلم و میخواهم رأی بدهم
جزئیات را بنده نمی دانم

اینکه منطق ندارد علی ای تقدیر
اگر کسی بخواهد در فلان ولایت بمعلم
پول نداده اند یا بفلان مدیر مدرسه پول
نرسیده جایش کجا است؟ قطعاً جایش در
همین جا است

حالا بیاییم راجع بیکی یکی اعلام
عایدات نگاه کنیم آنچه را آقایان راجع
بآوردن اینطور بودجه بمجلس بفرمایند
فرمودند راجع بنیم عشا و اوقاف که آقای
حاج میرزا عبدالوهاب هم فرمودند که کمال جای
تصدیق است

واقف وقت یکجا باید مالیات ملکش را بدهد ، یکجا هم نیم عشر اوقات را میخواهند از او بگیرند این نیم عشر را کی باید بدهد؟ متولی رای خودش حساب کند که میشود بخواهد بای وقت حساب کند شرح جلوش را میگوید .

این جا از يك ملك دو مالیات مطالبه میکنند و با این ترتیب بهتر این است که بکلی مردم خسران و میراث را ترک کنند

آقا يك مثل زدن برای عایدات متفرقه آیا برای کسی که میخواهد به عایدات رای بدهد يك مثل کافی است؟

مجلس که باید ناظر بر این کار باشد يك مثل از عایدات متفرقه برای آن کافی است؟

این مثل این میماند که فرضاً دولت (من باب مثل عرض میکنم این کار را نمیکنند) عباي شما را از دوستان بردارد و بگوید این از عایدات متفرقه است باید عایدات متفرقه معلوم شود در تحت چه عنوان کلی اخذ میشود يك مثل کافی نیست که مجلس آنرا تصویب کند همین طور تشکیلات وزارت عدلیه بنده در دوره چهارم عرض کردم حالاهم عرض میکنم بنده در تشکیلات وزارت عدلیه صرف دارم و تشکیلات عدلیه را صحیح میدانم البته وزارت جلیه عدلیه جغرافیای مملکت را میداند ولی وقتی که بخواج فارس نگاه کنیم می بینیم در تمام خلیج فارس يك معسکه نیست در بندر لنگه و بندر عباس معسکه نیست عباسی و سایر بنادر معسکه ندارد

پس اگر کسی برای ده تومان بخواهد تظلم کند چاره ندارد جز اینکه بحکومت هراسه کند وقت بنده که یک نفر وکیل میباشم در امور حقوقی مداخله کرده جواب میدهند چون از طرف عدلیه معسکه نبوده است حکومت رسیدگی کرده اینهم تشکیلات وزارت عدلیه

میتواند تشکیلات وزارت داخله در دوره چهارم هم عرض کردم وزارت داخله هشت قلم را انداخته وقتی هم می گوئیم چرا چنین شده می گویند بودجه ندارد

بلی نماینده پیشنهاد اضافه خرج نمی تواند بکند بنده هم چون اقتضای ضرورت کمیسیون تجدید نظر در نظامنامه داخلی را دارم نظامنامه را کاملاً برمی و مسیم خود دارم بلی و سکیل نمیتواند پیشنهاد اضافه مخارج بنماید ولی میتواند بوزارت داخله بگوید که چرا برای لاری قسا

دراز حاکم معین نکرده اند؟ چرا نظمی ندارد

بلی نمیتواند بگوید ده تومان اضافه حقوق بفلان حاکم یا رئیس نظمی بدهد ولی میتواند بگوید لاری و قسم حاکمش کجاست؟

وقتی که سؤال می شود چرا اسمی از حکم عباسی در شهر وفلان وفلان برده نشده میگویند بودجه ندارد

این بکسرت راجع بفرمایش آقای دامغانی در خصوص اشک در پروز فرمودند و درست هم فرمودند آقای مخبر جواب ندادند درست است راجع باش حد اقل وا کثری تصور کرده اند

اما آقایان اعضای کمیسیون بودجه آمده اند فکر کرده اند که ممکن است کسر بودجه بیاریم لذا حد اقل اشک را معین کرده اند و بسیار خوب فرضاً سی تومان هم برای اشک معین نمیکنند و بیست تومان معین میکنند برای اینکه کسر بودجه نباشد کسی حرفی نداشت

ولی آقایان درست دقت بفرمایند وقتی که میباید يك مأموری میگویند اگر تودزدی کردی و فی الجمله رشوه از کسی گرفتی محکومی و تا ابد حق استخدام دولت چطور زنده گانی کند؟

چطور میشود با ماهی سی تومان آنهم بن این تعلیاتی که از هر طرفی بمستخدمین میشود زند گانی کنند؟

نمایند هم که نمیتواند زیادی پیشنهاد کند

بسیار خوب وقتی که شما این سی تومان را برای يك نفر مستخدم معین کردید مثل اینست که او را وادار کنید بتجاوز کردن از حدود خود

من باب مثال عرض میکنم یکوقت از آقایان وزراء سؤال کردم فلان حاکم را چرا حقوق ندادید؟ گفت بودجه ندارد گفتم پس چه میکنید؟ در ضمن کلامش گفت خودش حاضر است

در اینصورت معلومت این شخص چه میکند پس بنابراین بنده با این ترتیبش هم مخالفم و عقیده ام اینست با این ترتیب با این بودجه گنگ که نه از ستون مخارج و نه از ستون عایدات آن چیزی فهمیده میشود مخصوصاً با این ترتیب که اشک مستخدمین هم کم است میشود رای داد

وزیر مالیه - آقای دست غیب فرمودند تصدیق بآن تصور نباید کرد بنده هم تصدیق دارم ولی خواهش دارم از آقایان که تصور بفرمایند حال امروزی را و بتلانی که مادر خصوص کار بودجه و ادارات و مخارجی که باید بشود و عایداتی که دولت باید برای آن مخارج تحصیل کند داریم

این مسلم و معزز است که مجلس

شورای ملی در هر مملکتی صاحب اختیار مالیه آن مملکت است یعنی هم عایدات باید بتصویب مجلس شورای ملی برسد و هم مخارج منوط برای مجلس شورای ملی است

در اینصورت لازم نیست که مادر این قسمت بحث میکنیم یا اینکه آقایان در این خصوص اصرار میکنند این يك امری است محقق و منکر هم ندارد

ولیکن این را باید در نظر داشته باشند اینکه مخالفت بفرمایند با این بودجه و اصرار میکنند که این در باب باید معاذ کرات زیاد بشود اینجا کاملاً نقص عرض خودشان است این معنی که حالا بهر جهت و هر مبنایی که بوده است (البته خیلی هم بد بوده خیلی هم بد شده است) امسال در موقع خودش بودجه مجلس نیامده و بنده سابق بر این هم عرض کردم که باید بودجه هر سال حال قبل تقدیم شود و اگر غیر از این بود متصور آقایان و مقصود مجلس شورای ملی (یعنی آن مقصود صعبی که دارند و حق هم هست) بعمل نخواهد آمد

درمان گذشته مجلس شورای ملی منقذ نبود بنابراین نتوانست این وظیفه خودش را انجام بدهد

لذا دولت و مجلس مجبأ شدند که بودجه را بیارند

حالا در اینصورت چه طور مجلس شورای ملی میتواند احوال نظر و نظارت نسبت بمخارج مملکت آنطور باشد بکند؟

بسیار خوب وقتی که مفرمانند و باید هم کردند خوب میدانند و همانطور که فرمودند در کلیات يك بودجه چند صد نطق شد ولی خوب چند صد نطق که در عرض يك روز در روز ممکن نیست پس اقلاً عرض چند ماه باید بشود

البته مذاکره در بودجه چند ملاملام دارد و بنده هم تصدیق دارم ولی این بودجه که امسال آمده است بمجلس شما چند ماه که وقت ندارید در آن مذاکره و اعمال نظر کنید و اگر بخواهید زیاد مذاکره کنید نتیجه این میشود که تا آخر سال گرفتار این بودجه هستید و همین جاست که عرض میکنم تصور بکنید بعد تصدیق بفرمایند

آقا سید یعقوب - صحیح است چون در فرانسه هم زیاد مذاکره شده ...

شیروانی - این بودجه نیست ...

وزیر مالیه - البته مخارجی هم که دولت میکند برای ادارات است و این اداریاتی که الان دایر است نمی شود درش را بست

شیروانی - باید بست

وزیر مالیه - خوب این هم يك مسئله است الان قیام و قعود بکنید تکلیف دولت هم معلوم میشود ولی آقای شیروانی که میفرمایند خودشان میدانند که اینطور نیست

اگر میفرمایند اینطور باشد در درپ ادارات بسته شود بنده هم حرفی ندارم رای

رای مجلس شورای ملی است

اما این مخارجی که برای دولت پیش میآید بعهده تأخیر واقع میشود و سال تمام میشود و هیچ نتیجه هم گرفته نمی شود جز اینکه مجلس شورای ملی و دولت بازمیاندند از اینکه اقلاً امسال که نشد این وظیفه را انجام دهند سال آینده هم موفق نخواهند شد چرا؟ بجهت این که آخر سال رسیده

فرضا که تا آخر سال هم بودجه بآن ترتیبی که میفرمایند رای داده اشید آنوقت باز سال نو باید داخل شویم در بودجه مال نو

بنده همه اینها را بطریق احسن و جوه میگیریم فرض کنیم که روز اول جمع بودجه آمدید مجلس شورای ملی ابتداء میروید بکمیسیون بودجه و البته هم باید سرود و از این بود متصور آقایان و مقصود مجلس شورای ملی (یعنی آن مقصود صعبی که دارند و حق هم هست) بعمل نخواهد آمد

درمان گذشته مجلس شورای ملی منقذ نبود بنابراین نتوانست این وظیفه خودش را انجام بدهد

لذا دولت و مجلس مجبأ شدند که بودجه را بیارند

حالا در اینصورت چه طور مجلس شورای ملی میتواند احوال نظر و نظارت نسبت بمخارج مملکت آنطور باشد بکند؟

بسیار خوب وقتی که مفرمانند و باید هم کردند خوب میدانند و همانطور که فرمودند در کلیات يك بودجه چند صد نطق شد ولی خوب چند صد نطق که در عرض يك روز در روز ممکن نیست پس اقلاً عرض چند ماه باید بشود

البته مذاکره در بودجه چند ملاملام دارد و بنده هم تصدیق دارم ولی این بودجه که امسال آمده است بمجلس شما چند ماه که وقت ندارید در آن مذاکره و اعمال نظر کنید و اگر بخواهید زیاد مذاکره کنید نتیجه این میشود که تا آخر سال گرفتار این بودجه هستید و همین جاست که عرض میکنم تصور بکنید بعد تصدیق بفرمایند

آقا سید یعقوب - صحیح است چون در فرانسه هم زیاد مذاکره شده ...

شیروانی - این بودجه نیست ...

وزیر مالیه - البته مخارجی هم که دولت میکند برای ادارات است و این اداریاتی که الان دایر است نمی شود درش را بست

شیروانی - باید بست

وزیر مالیه - خوب این هم يك مسئله است الان قیام و قعود بکنید تکلیف دولت هم معلوم میشود ولی آقای شیروانی که میفرمایند خودشان میدانند که اینطور نیست

اگر میفرمایند اینطور باشد در درپ ادارات بسته شود بنده هم حرفی ندارم رای

ولی بنده هم تصدیق دارم این مملکت که حالا از مردمش بیست و دو میلیون مالیات میگیرند نمیشود یکمتر به صد میلیون گرفت باید بتدریج پیشرفت تا اینکه قوه مملکت و مردم انشالله زیاد شود آنوقت البته دولت هم این بار را بردوش مردم زیاد میکند یعنی بار نیست قوه تحملش را هم دارند

چه کنیم نمیتوانیم در یکدمت قبلی عایدات مملکت را بجائی برسانیم که آن مقاصد بکه در نظر داریم بعمل بیاید و حوائجی هم که در قسمت عدلیه و حکومتها و غیره داریم تأمین شود و همین عایداتی که حالا فرض میکنم خوب نیست و غلط است و اساس صحیحی ندارد

اینها يك چیزهایی است که اکثر آنها از قدیم الایام و بیضیهام در این سنوات اخیر در مملکت جریان پیدا کرده است و اگر بخواهید رای بدهید که این عایدات را ما بگیریم آنوقت بفرمایند چه خواهیم کرد؟

مالیات يك چیزت نیست که شما بتوانید فوراً ایجاد کنید يك مالیات صحیح بی عیب عادلانه که هم مجلس شورای ملی رای داده باشد و هم اسباب اجراء آن را دولت فراهم کرده باشد امسال که وجود پیدا نخواهد کرد سال آینده هم درست نخواهد شد

بنده میخواهم گول بزنم و بنیاد هم ما خودمان را گول بزنیم وضع مالیات یکی از مشکل ترین کارهای دنیا است

مالیات صحیح وضع کردن و اخذ آن کار آسانی نیست و باید که آقایان بستانان تربیون نطق بکنند و شکایت بکنند درست نمی شود

ولی البته باید این حرفها هم زده شود و در صدد اصلاح هم بود اما باید دانست که مالیات يك درد است شیرانی در ایران

وزیر مالیه - يك درد هم هست که باید کشید و چاره هم ندارد در هیچ جای دنیا راه دیگری پیدا نکرده اند و از برای اداره کردن مملکت راه دیگری پیدا نکرده اند البته چیز

یکی فرض است و البته فرض را هم که همیشه نمیشود کرد و البته نباید هم کرد

یکی هم مالیات است یکی آن چیز است که اینجا خرج انتقاعی میگویند یعنی مثل کسب از او عایدی پیدا میکنند

در آنجا این سه مسئله را پیدا کرده اند و عمل هم میکنند

عرض کردم فرض راحتی امکان نباید کرد باقیمانده مالیات و قسمت کسب که دولت کار بکند و برای مخارج عایدی پیدا کنند و تاکنون هم ممکن نشده که دولتی

تواند عایدی خود را منحصر بیکي از این سه رشته کند و از این سه رشته بهتر همان مالیات است ولی کسب هم باید کرد

مثلا دولت ایران که کسب میکند این است که يك خالصه دارد در آن زراعت هم این بار را بردوش مردم زیاد میکند و بارش يك خراج يك اداراتی میکند که در مقابلش يك نغمی میبرد

در حقیقت من سایر مردم سرمایه میخواهد

ام عرض کردم این راه را خوب نیست دولت نمیتواند منحصر از این راه عایدی داشته باشد و این قسمت هم بتجربه رسیده است که دولتها خوب کسب نمیکند نه تنها دولت ما خوب کسب نمیکند سایر دولتها هم باینکه کارهایشان منظم تر و بهتر از ما است آنها هم همینطورند ولی تا اندازه از راه ناچاری باید کرد بالاخره بانی میباید مالیات

مالیات راهم نمیشود از مردم نگرفت باید گرفت ولی باید سعی کرد که عادلانه باشد و حتی الامکان مردم یکسان باشند

مالیاتهای ما معجب دارد هیچکس نمیکند عیب ندارد

بنده هم تصدیق دارم کسی منکر نیست اما باید دید اصلاح آن بجهت نحو می شود

اصلاحش باین اوایچی است که بمجلس آمده و باید درش مطالعه و مباحثه کنند و البته در يك روز و يك هفته و یکماه نمیتوانند اینکار را بکنند مدت لازم دارد چنانچه ملاحظه فرمودید لایحه معیزی در دوره چهارم بمجلس آمده تا آخر دوره چهارم تمام نشد

در این دوره هم باین مجلس آمده و حالا هم باین زودبها تمام نخواهد شد

و اینکه عرض میکنم تمام نخواهد شد مقصود ایراد بر مجلس نیست مجلس هر قدر هم سعی بکند قانون ممیز را که اساس مالیات مملکت را منظم میکند نمیتواند در وجه از جهت مخارج که بعضی خلاف قانونها در بودجه هست تمام کند و رای بدهد و باید مطالعه نشده و تمام شده و مجلس رای نداده است نمیشود گفت مالیات مستقیم را بگیرند و امسال و سال دیگر ادارات مملکت را بخواهیم و باین دلایلی که عرض کردم این فرمایشاتی که فرمودید اساساً صحیح است بنده هم منکر نیستم یعنی هیچکس منکر نیست

اما امروز موقع ندارد یعنی باین فرمایشاتی که میفرمایند که مالیات را نباید گرفت یا آن خرج را نباید کرد یا آن اداره را باید درش بست نمیشود ترتیب اثر داد

پس چرا بدون جهت بقود زحمت بدهیم

این بودجه امسال باین طریق بگذرانند

که از این گرفتاری امروزه خلاص شوید و چون امروز برج عقرب تمام شده این ادارات هم کار کرده اند البته حقوق لازم دارند و بدون تصویب مجلس شورای ملی هم حقوق نباید بدهیم و نخواهیم داد برج قوس هم تمام خواهد شد چندی هم تمام خواهد شد

این ادارات چه باید بکنند؟ عرض کردم امساله بمقصدتان نخواهید رسید سال آینده هم (باز گول نمیخواهیم بزنیم) سال آینده هم بوظایف خودتان تمام نمیتوانید عمل کنید

زیرا وقت نغاری بودجه سال آینده را باید امسال تمام کنید و امسال هم که آن اندازه مجال نداریم که کاملاً اعمال نظر بکنیم بنابراین تصور میکنم که خیلی زیاد لازم نیست در این موضوع مذاکره شود

رئیس - آقای مفتی (اجازت)

صدرالعلماء مفتی - مخالفت بنده راجع باساس بودجه نیست و مقصود بنده ضمناً تنقید از عملیات کمیسیون بودجه نیست

زیرا الحق همچنانکه مخبر محترم در ضمن این راپورت توضیح دادند تقریباً هشت ماهست کمیسیون بودجه در انجام وظیفه خود بهر نحو که مقدور بود نهایت جد و جهد را بعمل آورده و بالاخره چون بقین حاصل کرد باین که امساله بودجه تفصیلی را که بمجلس شورای ملی بخواهد کاملاً از اقلام ریز آن مستحضر و مطلع شود ممکن نیست که بمجلس تقدیم شود ناچار این بودجه اعتباری را تقدیم مجلس نمود و بنده نظر بوظایف مقدسه که بمجلس شورای ملی مطابق اصل مشروطیت عهده دار انجام آنهاست

نظر باعتباراضاحات و دلایل زیاد آقایان مخالفین باین راپورت که بقیقه بنده اکثر اعتراضات آنها قابل توجه است و بموجب يك رشته اطلاعات خودم که از جهت عایدات و وجه از جهت مخارج که بعضی خلاف قانونها در بودجه هست آنچه را که در نظر من باشد عرض آقایان میرسانم

با این طرز بودجه و با این بودجه اعتباری درستی بطور اجمال که تاکنون از تحت نظریات و اراده اشخاص بیرون نیامده و صورت تشکیلات قانونی خود نگرفته بدون هیچگونه نظارت و رسیدگی در جزئیات آن از طرف مجلس شورای ملی تصویب بشود بکلی مخالفم و تصویب این طرز و رویه را خارج از وظیفه مجلس شورای ملی میدانم

چرا بواسطه اینکه اگر بدقت مجوعه قانون اساسی و انتخابات را ملاحظه کنیم میبینیم نمایندگان مجلس شورای ملی سه اصل کلی را عهده دار هستند و مقصود اصلی از تشکیلات مجلس شورای ملی انجام همین

سه اصل است

یکی تشخیص مصالح و منافع عمومی و احتیاجات ضروری مملکت بر حسب مقتضات هر دوره

یکی قانون گذاری مطابق تشخیص اقتضای وضعیت مملکت و یکی دیگر که خیلی عهده تراست امانت و حق گذار نیست که باید همیشه کاملاً مراقبت نمایند که عهده دار آن اجراء قوانین مملکتی از روی ترتیب قوانین مصوبه را بطور اجراء بگذارند و هر گاه این اصول سه گانه محفوظ بماند و مجلس شورای ملی بانجام سوظیفه مهم موفق شود هم اصول مشروطیت محفوظ بماند و هم مملکت بطرف سعادت میرود

عقیده شخص بنده اینست که باطمینان باینکه مجلس شورای ملی کاملاً بانجام این وظایف موفق میشود و مانع و رادعی در جلو نخواهد بود

نمایندگان معترض ملت حق دارند برای رفع احتیاجات این مملکت بهر اسم و رسمی باشد خواه مالیات تصاعدی اسم بگذارند یا غیر آن با اندازه قدرت و توانائی مردم مالیات بر مردم تحمیل کنند

ملت ایران را حصول اطمینان باینکه مجلس شورای ملی بانجام وظایف خود موفق میشود از دادن هیچگونه مالیاتی استثنائی نخواهند کرد

اگر حالا استثنائی دارند بواسطه اینست که نماینده عایداتی که بدو میدهند بچه مصرفی میرسد

خلاصه یکی از مسائل مهمه مملکتی که حیات مملکت بسته بوجود آنست مسئله بودجه است و وظیفه مجلس شورای ملی است که کاملاً رسیدگی بقسمت جمع و خرج آن کرده و از هر قلمی که خلاف قانون باشد جلوگیری نمایند

اگر بهمین طرز اجمال و ابهام این لایحه را تصویب کنند در حکم تصویب خلاف قانونها روی اعتدالتها خواهد بود

بالاخره برای مسئولین اجراء در اخذ خلاف قانونها استند و مدرک میشود و میگویند مجلس شورای ملی در ضمن بودجه کل رای بابت جزئیات هم داده است

بجلاوه اگر این ترتیب سابقه پیدا کند بالاخره سلب حق نظارت و رسیدگی از مجلس شورای ملی میشود و بهمین ترتیب نظریات اشخاص حاکم خواهد بود

بنده اطمینان میدهم نظریاتی که امساله مانع از تقدیم بودجه تفصیلی شده برای سال آینده هم موجود خواهد بود و هرگز بودجه ترتیبی بمجلس نخواهد آمد و متأسفانه ما باید در مواردی هم که در تحت اختیار مجلس شورای ملی است همیشه در انتظار اصلاحات آتی باشیم

در صورتیکه آیه هم مثل امروز است

و باین زودی وسایل اصلاحاتی برای ما مرتب نمیشود و اینک عرض کردم در قسمت جمع و خرج بی اعتباریها هست اما در قسمت عایدات علاوه بر اینکه در رسوم نواقل و عوارض بلدی و باج گیری راهها و تعدیه تریاک خیلی اجعافات مردم میشود و بعضی از آقایان معتبرم کاملاً توضیح دادند باز در کردستان بانوای و اقسام مختلف یوهای ناسازی از مردم بگیرند .

از جمله از یک مال التجاره مهم در سزو ناته از اول حمل مدهالسه یا بنظر طرف باسم هشر جنگلها صدهفته و نیم میگرفتند در صورتیکه حق ندارند در آنجا صدهفته و نیم بگیرند و اسمش را هم تغییر نمیدهند و میگویند صدهفته و نیم یعنی آنجا عایدات جنگلها باید گرفته شود .

حالا اگر اسمش را هم تغییر میدادند باز خوب بود ولی ناسه همان عشر از عایدات جنگل این مالیات را میگیرند و از جمله در دو سال قبل یک حکم عمومی بشیر نه هزار و شصت و یک از وزارت مالیه صادر شد و در اکثر نقاط ایران این مستعاضات بوقوع اجرا گذاشته شده و مدهات مغرور و تخفیف داده شده و باوجود این که خراب کردستان بیش از سایر نقاط بوده باز هیچگونه تخفیفی در مالیات بمالکین آنجا ندادند و اصل و فرع بقایای مالیات را نامان از آنها گرفته اند سهل ست تخفیفی بآنها ندادند .

امساله در سزو یک مالیات دیگری بعنوان فوق العاده بر مردم تحمیل کرده اند و از هر مالکی بتفاوت دو تومان و چهار تومان پنج تومان گرفته و قبوض چایی بآن ها داده اند .

از جمله از یک نفر مالک خلیل خان نام که دارای سه چهار پارچه قریب است باین که تمام مالیات خودش را پرداخته و مقاصدا حساب را گرفته است مأمور سرش کرده اند و چهل تومان از او گرفته اند و قبض چایی هم داده اند و یک شرح مفصلی بوزارت مالیه تظلم کرده و یک شرحی هم بنسبه نوشته است که بوزارت مالیه این تظلمنامه را برسانم و اینست که حالا قرائت میکنم

حالا بجهاد الله تمام مالیات را اصل و فرع و بقایا رسانیدم و یک دینار در پیام ندانده است

نهایت تسلیمان کنیدی و داس الوجه بدون این که یک شب مأمور در سر مالیات توقف نماید

چهل تومان فوق العاده یعنی فوق الطمانه از بنده گرفته اند و قبل از اینکه جن مالیات بکنند فوق العاده را حواله کرده اند و حالاً که یک دینار بقایا و مالیات در ذمه بنده مانده است باز یک قبض بلند بالا نوشته و روان میکنند و پول میخواهند و بتفاوت از هر آقایانی چهار تومان و پنج تومان می

گیرند و حالا قبوض فوق العاده حاضر است و هر گاه ملاحظه قبوضات فوق العاده را دارید اظهار فرموده توسط خدمت بفرستم مستندیم حکم سخت صادر فرمائید که پول بی جهت فوق العاده را رد نمایند . خدا قبول نمیکنند مأمورین مالیه عالمی را خوردند .

ملاحظه فرمائید این ترتیب با مردم معامله می کنند در در یک ولایت خرابی مثل کردستان هیچ تخفیف مالیاتی بآنها نداده اند و بقایای آنها را هم میگیرند و باضانه یک مالیاتی هم باسم مالیات فوق العاده دریافت میکنند

که اگر حساب بکنیم از هر آقایانی پنج تومان و ده تومان میگیرد در سزو بانه در سال اثلا بنده هزار تومان میرسد و مدها خیلی از مالیاتهای دوره سید ضیاء الله بن از قبیل مالیاتها غیر مستقیم تا اکنون در کردستان باقی مانده و هنوز منسوخ نشده است .

بنده عرض میکنم اگر میخواهند تصویب بکنند باید یک یکی یکی رأی بجویند آن باید ببینیم که اگر اینچنین عایدات بحساب دولت هم می آید و این عایدات مر کب از این جزئیات هست پس این عایدات بطور کلی نمیشود از تصویب مجلس شورای ملی بگذرد

اگر بحساب دولت نمی آید و بجیب و کبسه فرمیرود و طرفه مجلس شورای ملی اینست که هر طوری که مقتضی می داند جلو گیری کند که عایدات اینها بحد صرف هوی و هوس یک عده نشود و باید هر چه زودتر این مالیاتها را از بین بردارند و یک قانون مالیاتی دیگر جای آن بگذارند که عملی باشد و اجرا شود

اما در قسمت شرح بطوری که آقایان توضیح دادند قانون استخدام دروزاتخانه ها کاملاً بوقوع اجرا گذارده نشده است و سه سال است از تصویب قانون استخدام گذشته است

اگر مانع اجرای این قانون نظریات اشخاص است چرا جلو گیری از نظریات اشخاص نمیشود و علاوه بر این بنده خود شخصاً تشکیلات وزارت مالیه را خیلی بیشتر از حد ضرورت و احتیاجات امروز این مملکت میدانم

البته تشکیلات و تاسیسات ادارات و وزارتخانه های مملکتی باید مطابق با عایدات آن مملکت باشد ولی در مملکت ما صدی سی از عایدات بصرف این مالیه میرسد در صورتی که در سایر ممالک از قراری که بنده اطلاع پیدا کرده و شنیده ام صدی پنج و صدی ده برای جمع آوری عایدات لازم است

عملیات عده مالیه عبارتست از یک

شته و بولمداری و یک رشته تحصیلداری و یک رشته هم ترجمه که حالا دائر شده است و بقیه بنده این عملیات را بکتر از این بودجه هم میشود اداره کرد و ارزش سه میلیون بودجه را ندارد

از آنطرف مبینم در مسائل قضائی معارف - صحبه - اندازه تطبیق شده است در صورتی که آنها بیشتر هم طرف احتیاجات ایرانست که بواسطه نبودن تشکیلات قضائی مردم امنیت حقوقی ندارد و کروم و راه حقوق مردم تطبیق میشود و بواسطه نداشتن معارف ملت ایران صدی بود نفر بسواد هستند

شیر والی - نود و نه نفر

مفتی - و بواسطه عدم وسائل حفظ الصحه شاید در سال صدیک از ملت ایران به امراض مهلکه تلف میشوند

پس بقیه بنده اگر در تشکیلات مالیه از تجملات و تکلفات غیر از مستمتهای ضروری صرف نظر بکنند و از همین محل معارف و صحبه و تشکیلات قضائی مملکت اضافه کنند البته بهتر و مناسب تر خواهد بود .

علاوه در تقسیم بودجه وزارتخانهها در بین مرکز و ایالات و ولایات بهیچوجه رعایت تعادل و تناسب نشده است زیرا ازاده اشخاص در تقسیمات بودجه حاکم بوده است و ابتدا رعایت تناسب را نکرده اند در صورتی که مطابق قانون اساسی و اصول مشروطیت تمام ملت ایران متساوی الحقوق هستند و هیچ فردی از افراد این مملکت از حیث ایرانت تفاوت و رجعانی بر فرد دیگر ندارد و تمام متساوی الحقوق هستند

این مالیاتی هم که از مردم گرفته می شود باید بتناسب عایدات و بتناسب نفوس مجدداً بخود ملت ایران بشوای بر گردد و باید عموماً بطور تساوی از خزانه دولت استفاده میکنند

بنده می بینم بهیچوجه رعایت تعادل و تناسب نشده است و از زوری ازاده اشخاص قسمت بعضی جاهار خیلی زیاد معین کرده اند و خیلی جاهای دیگر را بکلی معروم کرده اند

از جمله دو میلیون و یکصد هزار تومان بودجه معارف ششصد بیست هزار تومان بودجه عدلیه تقریباً در سال سی هزار تومان قسمت کردستان است

و صورتی که کردستان باین حالت خرابی که دارد تقریباً در سال یک کروم عایدات با کمال اطاعت بصندوق دولت وارد میکند

در این صورت در سال سی هزار تومان بودجه برای آنجا معین کرده اند و بواسطه قلت بودجه سزو بانه و خور خور تیلگو که اینها حدود سرحدی هستند و اکثر عایدات کردستان را این چهار حدود تشکیل مدهند و تقریباً دارای صد و پنجاه هزار

نفوس است هنوز نظمی و عدلیه و صحبه و معارف و مدرسه ندارد حتی بازار سزو مستعطف و عس هنوز هم ندارد و یک سال است کب و تجارت مجبور شده اند

از خودشان عده رامین میکنند و گمان نمیکند در هیچ نقطه دنیا امروز این ترتیب دایر باشد و این انصاف نیست که یک کروم از کردستان بگیرند و بصرف نظمی و امنیت جاهای دیگر برسانند

بنده نشنیده ام که در هیچ جای دنیا بازاری باشد که از طرف خود تجار و کبسه نگاهداری کنند و افلا نگاهداری بازار را نمی کنند یک سال است که اهالی سزو بوزارت داخله و دولت تلگراف میکنند که پنجاه تومان مقرر شود برای عس و کشتی بازار این مبلغ خرجی را هم مضایقه میکنند و پنجاه تومان را مقرر میکنند

بنده هیچ فلسفه و حکمتی نمی بینم برای اینکه فقط نسبت باهالی کردستان این تبعیض و ظلم شود و از عایدات یک کروم که بدولت میدهد این طور استفاده بکنند که خودشان کشیک بازار و خانه خودشان را بدهند و استحقاق بازارشان بدهند خودشان باشد در صورتی که آقایان میدانند که ملت کردستان فطرتاً و جبلاً ایرانی دیرانی خواه هستند

جمعی از نمایندگان - صحیح است

مفتی - همیشه حاضر برای خدمت گذاری بدولت ایران بوده و هستند حتی در ایام فترت هم که مأمور دولتی بکردستان رفته است خود خود ملت کردستان طالب بوده اند که عایداتی که متعلق بدولت بوده است با کمال رغبت تسلیم کنند و باین ترتیب همیشه در تحت فشار همسایهها مانور بکنند خود آقایان میدانند بوده است و همیشه حملات همسایه متوجه کردستان میشد و تحت فشارهای سخت همسایه ها فقط با حسن ایرانی خواهی در مقابل قوای مکرری و عملی آنها مقاومت کرده است و هیچگونه اظهاری هم ننموده اند (صحیح است)

پس البته تصدیق میفرمائید که نسبت بچنین ملت مطیع و با شرافت البته باید بیشتر از این باید قدر دانی شود

صد و پنجاه هزار نفوس انصاف نیست که از خزانه دولت هیچ استفاده نکنند نه نظمی و نه صحبه و نه عدلیه و نه صلحیه داشته باشند و حتی کشیک بازارشان را هم خودشان بدهند

بقیه بنده این انصاف نیست و اصلاح این امور را بنده از وظایف مجلس شورای ملی میدانم

و البته باید مجلس شورای ملی رسیدگی کند و بدولت در انخصوص تذکری بدهد

این بود عرض بنده و عجاناً عرض دیگری ندارم

وزیر مالیه - فرمایشات آقای مفتی تماماً صحیح است همینطور که آقایان تصدیق فرمودند بنده هم تصدیق میکنم ولی یک مقدار از اینها را سابقاً جواب عرض کرده ام و دیگر تکرار نمیکند باینکه اگر حالا دیگر این عایدات و مالیاتها را بگیریم چه میشود و نسبت بکردستان و اهالی کردستان آنچه که فرمودند بنده هم از طرف دولت تصدیق میکنم

و البته همینطور هم هست که میفرمائید حوائج کردستان هم مثل حوائج سایر ولایات دیگر آنطور که منظور نظرات بر آورده شود

ولی بنده می بینم کم کم آقایان اوضاع حالیه مملکت و اوضاع سابق را فراموش کرده اند و بخاطر نمی آورند دوسه سال قبل را که این مملکت چه حالی داشت و از سه سال قبل تا اکنون چه تفاوتها پیدا کرده است و تصور میکنند که ممکن است در ظرف یکسال دوسال یک ملکیتی که شود حوائجش تمامی بر آورده شود

آیا در ظرف این سه چهار سال در خط اصلاح نرفته ایم اگر میگویند نرفته ایم خیلی بی انصافی است و رفته ایم

حالا شاید اگر میایم مردمانی بودیم که بیش از این استعداد و ابانت داشتیم بیشتر از این هم پیش نرفته بودیم ولی هر قدر هم که لیاقت داشتیم ممکن نبود در این مدت قلیل تمام نواقص خود را اصلاح کرده باشیم

بنده عرض کردم این چیزهای محتاج الیه از قبیل معارف صحبه - عدلیه اینها خرج زیاد لازم دارد و ممکن نخواهد شد در همه شهرها معام کم قضائی و عدلیه و استنیاف و صلحیه و معام کم ابتدائی داشته باشد والا بچندین کروم مخارج و همچنین معارف و صحبه

علاوه عرض میکنم تنها پول هم کافی نیست این راهم آقایان بخاطر داشته باشند که این مسئله محتاج به تحقیق است

حالا آدمیم سر این مسئله که مخارج زیاد است بلی نباید تصور شود که مالیه مملکت را میتوان بانصاف این مبلغ اداره کرد

بنده هم شاید این مسئله را تصدیق بکنم ولی حالا یک مرتبه نمیشود که این کار را کرد

ملاحظه فرمائید باین اشخاصی که در این ادارات کار میکنند چه میتوان کرد

وزیر مالیه - معلم هم همینطور است در هر صورت آنچه که میفرمائید در خصوص مالیاتها و آنچه راجع بظلم و تعدی است (که البته نباید بشود) تصدیق میکنم که در اخذ مالیات ظلم و تعدی میشود و باید جلو گیری هم کرد

البته آقایان توجه مدهند مردم را

مأمور مشغول هستیم در رفع آنها و در جلو گیری از آنهائی که تعدی میکنند البته این کارها هم لازم باصلاح است ولی نمیشود یک مرتبه این نواقص را رفع کرد

و اینکه می فرمائید قانون استخدام مجری نیست این را بنده تصدیق ندارم قانون استخدام را از یک سال قبل دولت اجرای آن بود یعنی حمل ۱۳۰۲ دولت مشغول شده است و با کمال جهت بوقوع اجرا گذاشته است و در اجرای قانون استخدام دولت دوسه سال مشکلات زیادی شده است

بنده گاهی می بینم آقایان شکایت میکنند از اینکه قانون استخدام اسباب زحمت شده است و میخواهند تجدید نظری در آن بکنند و گاهی هم شکایت میکنند که اجرا نمیشود

بنده عرض میکنم اجرا میشود و اشکالاتش هم باز برای مجلس اصلاح خواهد شد و اینطور نیست که می فرمایند هیچ جا اجرا نشده است

در خصوص گرفتار بودن معارج مالیه این هم حالا یک موضوعی است که نقل مجلس شده است و همه میگویند معارج مالیه زیاد است بنده هم تصدیق دارم که معارج مالیه زیاد است یعنی کلیتاً در ادارات ما معارج بیجا زیاد میشود تنها متحصراً بمالیه نیست

ولی معارج مالیه صد سی از عایدات این مملکت نیست عایدات این مملکت و معارجش بیست و چهار میلیون است و معارج مالیه کمتر از چهار میلیون است و بر فرض اینکه چهار میلیون هم باشد باز نسبت بیست و چهار میلیون صد سی نمی شود

صد یا نوزده میشود بسلاوه معارج سنوات گذشته را ملاحظه فرمائید در صورتیکه عایدات کمتر هم بوده معارج همین اندازه بلکه بیشتر هم بوده است این مسئله محتاج به تحقیق است

حالا آدمیم سر این مسئله که مخارج زیاد است بلی نباید تصور شود که مالیه مملکت را میتوان بانصاف این مبلغ اداره کرد

بنده هم شاید این مسئله را تصدیق بکنم ولی حالا یک مرتبه نمیشود که این کار را کرد

ملاحظه فرمائید باین اشخاصی که در این ادارات کار میکنند چه میتوان کرد

بنده عرض میکنم که این مسئله محتاج به تحقیق است

حالا آدمیم سر این مسئله که مخارج زیاد است بلی نباید تصور شود که مالیه مملکت را میتوان بانصاف این مبلغ اداره کرد

بنده هم شاید این مسئله را تصدیق بکنم ولی حالا یک مرتبه نمیشود که این کار را کرد

ملاحظه فرمائید باین اشخاصی که در این ادارات کار میکنند چه میتوان کرد

را ندهیم یا کم بدهیم یا اینکه آن تشکیلات را بکلی حذف کنیم

کم کردن حقوق را که گمان نمیکند آقایان تصدیق فرمایند زیرا همانطور که بعضی از آقایان اظهار فرمودند اگر بنا شود از همین حقوق مختصری که انشاء وزارت خانه ها دارند باز چیزی کسر کنیم موجب باعث این می شود که اعضاء آنطور که باید و وظائف خودشان عمل نکنند پس لازم می آید که از تشکیلات کم و حذف کنیم

در اینصورت هم چند هزار نفر بی نان خواهند شد

اگر میفرمائید قطع نان بشود آن وقت بقول عوام عرض خواهم کرد که نفس شان از جای گرم در می آید

ما یک عده منتظرین خدمت در اداراتمان داریم

بواسطه اینکه حقوقی برای آنها منظور نشده بود دولت و مجلس و آقایان نمایندگان در زحمتند

خوب در اینصورت چه طور میشود که یک مرتبه چندین هزار نفر از اعضای وزارت مالیه کم کرد یا حقوق بآنها نداد؟

باید فکر این را هم کرد که این عده چه خواهند کرد بنده عرض میکنم اساساً هر اداره در هر دو تأسیس و تشکیل معارجش خیلی زیاد است

مثلاً ملاحظه فرمائید اداره گرفتار که یکی از بهترین و منظم ترین ادارات امروزی مملکت ما است در اوائل امر یعنی در بیست و پنجم قبل که تأسیس شد یا اینکه بطریق انتظام و بادرست مستخدمین خارجی اداره شد معذک صد بیست و پنج الی صد سی نسبت بخواستش خرج داشت در صورتیکه امروزه صد یا زده الی صد دوازده خرج نمیشود

حالا آنکه آقایان تصدیق دارند که یک مؤسسه را از نو بنا کردن و اصلاح کردن بمراتب سهل تر است نایاب مؤسسه ناقص و غیر منظمی را اصلاح کردن چنانچه احداث بنادر یک زمین بکری خیلی آسان تر است یا یک بنای خرابی را آباد و اصلاح کردن

پس در هر کاری در اول امر نباید تخم افشانند و بعد از مدتی نتیجه گرفت و از آن عوائد برد و همینطور بهر روز هم مخارج کم میشود وزارت مالیه هم همین طور است و مخارجش روز بروز کم می شود

اگر درست ملاحظه کنیم می بینیم که مخارج وزارت مالیه هم نسبت بسنوات ماضیه کسر شده است و حالا هم اگر مخارج مالیه را با عایدات مملکت بسنجید باز بیشتر از صدی یا نوزده نمیشود

همه اینها را باید در نظر داشت

باز ذکر این مراتب باز بر میگردد بهسان اصلی که ابتدا عرض کردم

همه شکایات صحیح است نواقص هم زیاد است ولیکن این نواقص فوری اصلاح نخواهد شد

باید فکر کردید راه اصلاح و چاره اساسی چیست

باید راه اساسی را پیدا کرد و از آن طریق اصلاح نمود و اینهم باینکه امروزه باین بودجه رأی ندهید اصلاح نخواهد شد

رئیس - آقای حاج عزالمالک (اجازه)

حاج عزالمالک - اظهارات بنده نسبت ببودجه از دو نقطه نظر است یکی از نظر آملی است که نزدیک بعمل هم هست یکی هم فقط از نقطه نظر عملی است اما در قسمت آملی انتظار دارم که دولت بودجه سه ۱۳۰۴ را طوری پیشنهاد نماید که ما اینقدر در مضیقه نباشیم و هیچ اشکالی هم نسبت به تقدیم بودجه سال آتی به نظر نمی آید

خود آقایان تصدیق میکنند که این آملی نزدیک بعد از قسمت قانون محاسبات عمومی موعده مین کرده که در سر آن موعد باید وزراء بودجه های خودشان را تهیه کنند

حالا هم موقعیست که وزیر مالیه بودجه کل مملکتی را به مجلس شورای ملی بدهد

حالا اگر در این موضوع سؤالی از آقایان وزراء بشود چنانچه بنده هم سؤال کردم یا در موقع بودجه تقبلی در اطراف آن بشود بجا است

زیرا علت اینکه بودجه هر وزارتخانه تا اکنون بوزارت مالیه نرسیده و وزارت مالیه بودجه کل مملکتی را به مجلس نفرستاده چیست

زیرا نه وکیل مانع از این خواهد بود و نه چیزی دیگری از تقدیم بودجه سه ۱۳۰۴ مملکتی مانع خواهد شد

پس از این نقطه نظر بنده امروزتفات میکنم که آقایان وزراء بهتر ترتیبی که خودشان میدانند بودجه را بقوریت بمجلس شورای ملی بفرستند

حالا مدرکش را بودجه امساله میخواهند بگیرند بگرنه

موضوع را بر روی شکایات و انتظاراتی که از طرف آقایان نمایندگان اظهار شد میخواهند قرار دهند بدهند

هر طور میخواهند بکنند خودشان میدانند

در هر حال بودجه را باید تقدیم مجلس کنند

در آن بودجه هم میفرستند بنده هم در ستون عایدات هم درستون مخارج یک نظر یاتی دارم که حالا عرض میکنم نظریات بنده نسبت بامایات تبدیلی یک قسمت از مالیاتهای غلط امروزی است نوشته و روان میکنند و پول میخواهند و بتفاوت از هر آقایانی چهار تومان و پنج تومان می

کمیسیون را فرستاد و مابقی را هم شاید بفرستد .

بندی بعضی از مالیاتهای مأخوذی از روزه گمان نیکمکن محتاج دلیل باشد .

بنده خود درمآله بوده ام و یک قسمت از عمر خود را در آنجا گذرانده ام و بار سال هم برای تقشیر چندین ایالت و ولایت رفتم و بیک قسمت هائی بر خوردم که با خود عهد کردم و اتمام هرقوت بمجلس رفتم شرحی از چگونگی این مالیاتها و طرز وصول آنها عرض کنم .

در موقتی که برای تقشیر بنده وارد میشوم که مأمورین مالیه ملتزم نشوند که من چه وقت وارد میشوم ، صبح زودی بود که وارد شدم دیدم یک ضمیمه فرامیکنند و مردی هم او را دنبال و تعقیب مینماید داد زدم بابت - ایستاد - گفتم چه میکنی - گفت میخواهم مالیات جاروب از این شخص بگیرم - گفتم این چه مالیاتی است - گفت اینجا یک عشریه معمول است که هر کس برود بیرون جارویی تهیه کند باید یک مالیاتی بدهد .

این زن هفت هشت جاروب در دستش بود و میخواست از او مالیات بگیرد .

بعد که بنده تحقیقات کردم دیدم کلانتر یا داروغه شهر بیکوقت قرار گذاشته که به ترتیب مختلف یک مالیات و عوائدی از جاروب بگیرند حالا هم مالیه عین آن را میگیرد .

اینکه بنده عرض کردم از نقطه نظر آرزو برای ایست که بنده حالا نمیتوانم بگیرم این مالیاتها را بگیرند زیرا یک مالیات دیگری باید قائم مقام آن بکنند

ولی بالاخره این قبیل مالیاتها باید برداشته شود زیرا حقیقه خجالت آور است و باید دعوی اینها یک مالیاتهای دیگری که نسبتاً عادلانه تر باشد (از قبیل مالیات بر عایدات یا غیره) وضع شود

حالا از این قبیل مالیاتهای بی زیادت است که ذکرش هم اسباب ناخر آفتابان نمائندگان خواهد شد

اما نسبت بقسمت مخارج هم بطور کلی بنده انتظار دارم که در بودجه سنه آتی دولت مراعات همه قسمتها را بکنند مخصوصاً یک رعایت بیشتری نسبت بکردستان هانداورد که آقای مفتی فرمودند مینویسند .

دیگر مسئله راههاست حالا که آقای وزیر فوائدها هم تشریف دارند بنده لازم است عرض کنم که یک اهمیت فوق العاده براهها میدهم

در بودجه باید یک مبلغی برای ساختن راهها تخصیص داده شود گرچه از نقطه نظر بودجه امروز هم همین تنقید را میشود کرد

سج قانونی را فرستاد و مابقی را هم شاید بفرستد .

بنده انتظار دارم عایداتی که از راه پیش بینی تحصیل میشود دولت باید صرف خودش کند حالا اگر بگیریم و معتقد شویم که باید یک مالیاتهای دیگری وضع کرد که بتواند کمک کند و صرف مؤسسات عام المنفعه شود آن یک نظریه خیلی بلندی است .

ولی بهر حال این نظر را نمیتوان فراموش کرد که افلاک و اهل راهها باید صرف خودش بشود

دیگر راجع بمسئله صحیه است که حقاً آقای امیر اعلم باید یک اظهاراتی بفرمایند

در این مسئله هم بنده معتقدم که وزارتخانه مربوطه آقدری که ممکن است است باید بصحیه ملکت کمک کند برای این که خیلی از این حیث عقب هستیم

این عرایض بنده آمالی بود که شاید قریب بعمل باشد و امیدوارم آقایان وزراء تا حدی که ممکن است در بودجه آتی تمام این مراتب و مسائل را مراعات کنند

اما نسبت به همین بودجه که فعلاً مطرح و در دست است لازم است عرض کنم که بنده این اوراق را بودجه نمیدانم احتیاج ما را و ادار میکنند که در نه ماه از سال گذشته باین اوراق رای بهمی ولی این دلیل نمیشود که ما اعتراضات و اعتراضات خودمان را نکشیم

زیرا این بودجه نیست بلکه یک چیزی است که از روی احتیاج تنظیم شده مثل یک ماده واحد که مثلا بکمیسیون عدلیه اجازه میدهد که چکار کند این هم یک همچو چیزی است که بمراعات اجازه میدهد حالا که سه ماه از سال گذشته است یک طوری سروته این کار را بهم بیاورد والا این را نمی شود گفت بودجه است

این ایرادات را بعقیده بنده حالا باید کرد تا در سنه آتی دچار اشکال نشویم .

در یکی از مواد قانون محاسبات عمومی تصریح میکند که وزراء اعتبارات یک ماده را نمیتوانند بیک ماده دیگر انتقال دهند و اینجا که مینویسند :

ماده اول - مجلس شورای ملی بودجه (این یک ماده است که میگوید بیست و سه میلیون بگیر و بیست و سه میلیون خرج کن) منافات با آن ماده قانون محاسبات عمومی دارد چون برای هر

وزارتخانه یک مواد مخصوص مرتباً باید تنظیم کرد .

مثلاً بودجه وزارت مالیه را بخواهد بیاوریم و خرج کنیم باید آن چیزی که از مردم گرفته میشود صرف خودش بشود و امروزه اینطور نیست .

بنده انتظار دارم عایداتی که از راه پیش بینی تحصیل میشود دولت باید صرف خودش کند حالا اگر بگیریم و معتقد شویم که باید یک مالیاتهای دیگری وضع کرد که بتواند کمک کند و صرف مؤسسات عام المنفعه شود آن یک نظریه خیلی بلندی است .

ولی بهر حال این نظر را نمیتوان فراموش کرد که افلاک و اهل راهها باید صرف خودش بشود

دیگر راجع بمسئله صحیه است که حقاً آقای امیر اعلم باید یک اظهاراتی بفرمایند

در این مسئله هم بنده معتقدم که وزارتخانه مربوطه آقدری که ممکن است است باید بصحیه ملکت کمک کند برای این که خیلی از این حیث عقب هستیم

این عرایض بنده آمالی بود که شاید قریب بعمل باشد و امیدوارم آقایان وزراء تا حدی که ممکن است در بودجه آتی تمام این مراتب و مسائل را مراعات کنند

اما نسبت به همین بودجه که فعلاً مطرح و در دست است لازم است عرض کنم که بنده این اوراق را بودجه نمیدانم احتیاج ما را و ادار میکنند که در نه ماه از سال گذشته باین اوراق رای بهمی ولی این دلیل نمیشود که ما اعتراضات و اعتراضات خودمان را نکشیم

زیرا این بودجه نیست بلکه یک چیزی است که از روی احتیاج تنظیم شده مثل یک ماده واحد که مثلا بکمیسیون عدلیه اجازه میدهد که چکار کند این هم یک همچو چیزی است که بمراعات اجازه میدهد حالا که سه ماه از سال گذشته است یک طوری سروته این کار را بهم بیاورد والا این را نمی شود گفت بودجه است

این ایرادات را بعقیده بنده حالا باید کرد تا در سنه آتی دچار اشکال نشویم .

در یکی از مواد قانون محاسبات عمومی تصریح میکند که وزراء اعتبارات یک ماده را نمیتوانند بیک ماده دیگر انتقال دهند و اینجا که مینویسند :

ماده اول - مجلس شورای ملی بودجه (این یک ماده است که میگوید بیست و سه میلیون بگیر و بیست و سه میلیون خرج کن) منافات با آن ماده قانون محاسبات عمومی دارد چون برای هر

وزارتخانه یک مواد مخصوص مرتباً باید تنظیم کرد .

مثلاً بودجه وزارت مالیه را بخواهد بیاوریم و خرج کنیم باید آن چیزی که از مردم گرفته میشود صرف خودش بشود و امروزه اینطور نیست .

بنده انتظار دارم عایداتی که از راه پیش بینی تحصیل میشود دولت باید صرف خودش کند حالا اگر بگیریم و معتقد شویم که باید یک مالیاتهای دیگری وضع کرد که بتواند کمک کند و صرف مؤسسات عام المنفعه شود آن یک نظریه خیلی بلندی است .

ولی بهر حال این نظر را نمیتوان فراموش کرد که افلاک و اهل راهها باید صرف خودش بشود

دیگر راجع بمسئله صحیه است که حقاً آقای امیر اعلم باید یک اظهاراتی بفرمایند

در این مسئله هم بنده معتقدم که وزارتخانه مربوطه آقدری که ممکن است است باید بصحیه ملکت کمک کند برای این که خیلی از این حیث عقب هستیم

این عرایض بنده آمالی بود که شاید قریب بعمل باشد و امیدوارم آقایان وزراء تا حدی که ممکن است در بودجه آتی تمام این مراتب و مسائل را مراعات کنند

اما نسبت به همین بودجه که فعلاً مطرح و در دست است لازم است عرض کنم که بنده این اوراق را بودجه نمیدانم احتیاج ما را و ادار میکنند که در نه ماه از سال گذشته باین اوراق رای بهمی ولی این دلیل نمیشود که ما اعتراضات و اعتراضات خودمان را نکشیم

زیرا این بودجه نیست بلکه یک چیزی است که از روی احتیاج تنظیم شده مثل یک ماده واحد که مثلا بکمیسیون عدلیه اجازه میدهد که چکار کند این هم یک همچو چیزی است که بمراعات اجازه میدهد حالا که سه ماه از سال گذشته است یک طوری سروته این کار را بهم بیاورد والا این را نمی شود گفت بودجه است

این ایرادات را بعقیده بنده حالا باید کرد تا در سنه آتی دچار اشکال نشویم .

در یکی از مواد قانون محاسبات عمومی تصریح میکند که وزراء اعتبارات یک ماده را نمیتوانند بیک ماده دیگر انتقال دهند و اینجا که مینویسند :

ماده اول - مجلس شورای ملی بودجه (این یک ماده است که میگوید بیست و سه میلیون بگیر و بیست و سه میلیون خرج کن) منافات با آن ماده قانون محاسبات عمومی دارد چون برای هر

هر اندازه از آنها که بکسورت قانونی است ممکن بود تصریح شود تا مجلس شورای ملی متذکر باشد که مثلاً این عایدی مربوط بفلان قانون است که در فلان تاریخ از تصویب مجلس گذشته است و دانسته و فهمیده رای بدهد .

ولی حالا باین ترتیب فنی اگر رای بدیم معلوم نیست فلان عایدی مربوط و مرتبط با کدام قانون و تصویب است و همینطور نسبت بمایداتی که صورت قانونی ندارد و متکی بر یک سابقه یا عملی بوده است خوب بود آنرا قید و تصریح میکردند اینطور که مثلاً فلان مالیات یا عایدی مبتنی و متکی بر فلان سابقه یا عملی بوده است تا اسباب اشکال هم فراهم نکرده .

ولی حالا باین رای که امروزه ما بدیم فردا هر سؤالی از آقایان وزراء بشود که چرا فلان عایدی و مالیات را گرفتید قوی جواب میدهند که راجع بودجه کل ملکتی است و شاد در ضمن رای بودجه کل ملکتی بوصول و اخذ این مالیاتها هم رای دادید .

بالاخره این سبب میشود که وزارت مالیه هر عملی را بکنند بر طبق قانون نداند .

پس چنانچه عرض شد خوب بود مالیاتهای که قانون ندارد و متکی بر یک عمل یا سابقه بوده است معلوم میکردند که معین باشد و در نتیجه نتوانند از آن تجاوز کنند .

مثلاً راجع بقانون مستقلات در قانون مستقلات گفته میشود دو مرکز شهرهای بزرگ باید از مستقلات مالیات گرفت همینطور راجع بمالیات نوافل در قانون تشریح و اشاره دارد که مالیات نوافل را باید از شهرها و قسبات عصبه گرفت و طرز عملش را هم معین کرده است که وزارت داخله یا فلان وزارتخانه دیگر باید نظامنامه اش را بنویسد ولی اگر حالا باین کیفیت رای بدیم آتوقت هیچ معلوم نمیشود مأمورین نوافل که در وسط صحرا یک چوب بلندی افراشته اند و از مردم یک حقی میگیرند این مربوط بچیست ؟ زیرا آنجا نه شهر است نه قصبه است نه هیچ .

ولی باوضع حایله اگر رای بدیم آتوقت هرقوت ایراد کنیم و بگوئیم آخر این چوب را از وسط صحرا بردارید و بودن آن برای مال التجاره و مسافر و همه ضرر دارد خواهند گفت این عوائد هم مشمول همان لایحه است که رای دادید وزیر فوائدها هم چوب را برداشته ایم حاج عزالمالک خوب حالا شاید آن چوب را برداشته اند ولی در همین قسمت راه طهران بقره تو ملاحظه کنید در چندجا .

در طهران کنگاور و سنه نصر شیرین سرپل از مردم مالیات نوافل میگیرند حالا

چه قدر این تجارت ضرر دارد چه عرض کنم .

باید اینها موقوف شود اگر دولت میبندد عایداتش کم میشود باید بجاس بگویند این مالیاتها را نگیریم و بجای آن لوابیح مالیاتی قانونی پیشنهاد می کنیم .

راجع بمالیات مستقلات باینکه تصریح شده که از مرکز شهرهای بزرگ گرفته میشود مع ذلک مأمور مستقلات توی یک دهه میروند از آنجا مالیات مستقلات میگیرند یا از یک کاروانسرا مطالبه مالیات میکنند

وقتی که اعتراض میشود میگویند من بحکم همین مالیه اینکار را کرده ام وقتی که از همین مالیه سؤال میشود چرا این کار را کردی اظهار میدارد از مقام ما فوق بن این دستور داده شده است .

وقتی که از مافوق سؤال میکنیم که برای چه این مالیات گرفته میشود میگویند در ضمن بودجه رای داده اند و حال آنکه در قانون مستقلات مصرح است که از ده نباید مالیات مستقلات گرفت پس اگر تصریح میشد که عوائد مستقلات بموجب قانون مصوبه مجلس .

بنده حق داشتم سؤال کنم که از قوه خانه یا کاروانسرای فلان ده چه مالیات میگیرید و قوی هم لازم بود متذکر شود پس آقایان مغیر هم مساعدت خواهند کرد که نسبت بمایداتی که قانون ندارد ندارد .

تمام این نکات را رعایت کرده و همه را تصریح کنند تا معلوم باشد در موقع اشکال نشود .

یعنی آنهایی که قانونی دارد تصریح کنند و آنهایی که ندارد معین کنند متکی بر چه عملی بوده است که از آن حدود نشود تجاوز کرد و اگر بنا شود باین شکل رای بدیم آتوقت در هر جا هر پولی که گرفته میشود بموجب این رای میری و مجاز خواهند بود .

در قسمت عایدات هم یک اعتراضی راجع بصد یک داشتم که آقایان موضوع کردند و دیگر چیزی عرض نمی کنم .

اما در قسمت مخارج - در اینجا یک قسمتی است که شاید بنبغ درات باشد و آن راجع باشل است .

بنده با رأی بودت کمیسیون بودجه مخالفم و عقیده ام اینست که میزان اشل همان سی و دو تومان باشد ولی اشل را قانون استخدام معین کرده و در وقتی که قانون استخدام مطرح بود

البته این مسئله فلسفه اش این بوده است که اگر پول داریم زیاد تر بدیم و حالا که که نداریم کمتر بدیم ولی مراعات حال مستخدمین را هم باید کرد .

مستخدمین که چند سال متوالی عادت کرده اند که چهل و دو تومان پاسبی و دو تومان

حقوق بگیرند بکمر تبه انصاف نیست از حقوق آنها کسر کنیم .

حالا بازا اگر این کسریک تأثیر زیادی در مخارج داشت ممکن بود بکوتی عایدی و تحمیل کرد باین نحو که می گفتیم چون امساله نداریم برای سال آینده جبران میکنیم ولی از نقطه نظر اینکه چهار دیواری را تصدیق میکنند و بهر وزارتخانه حق میدهد که در حدود این مبلغ بودجه خود را نوشته و بمجلس بفرستد دیگر پیشنهاد دولت و کسر کردن از سی و دو تومان دیگر ظلم است .

پیشنهادی در این باب تهیه کرده و در موقع خودش تقدیم خواهم کرد . و اگر توضیحاتی لازم باشد عرض خواهم کرد یکی دیگر از عرایض من راجع بمخارج انتقاهی وزارت مالیه است .

البته حملاتی که بوزارت مالیه در این موضوع میشود خودشان تشریف دارند و دفاع خواهند کرد ولی بنده برای کسر مخارج انتقاهی دلیلی نمی بینم .

ما خواستیم یک محلی پیدا کنیم آن وقت یکسری صدوسی هزار تومان از مخارج انتقاهی کسر کردیم .

اگر کاهش را ندیدید چرا این مبلغ را کسر کردید ممکن بود صد هزار یا صد و پنجاه هزار را بیشتر یا کمتر کسر بفرمایید .

اگر شما خرجش را میدانستید و این مبلغ را صلاح میدانستید کسر کنید خوب بود دلیلش را میگفتید که ما هم دانسته و از روی دلیل رای بدیم والا بکمر تبه از یک قلم مخارج برای خوش آمد صدوسی هزار تومان کسر کردن بعقیده بنده دلیلی ندارد .

باید دید کسر مخارج هر وزارتخانه از کدام محل وجه خرجی زیاد است تا آتوقت مجلس عالیاً هماماً از بودجه و مخارج آن وزارتخانه کسر کند والا مخارج انتقاهی یک وزارتخانه آنهم وزارت مالیه که باید خرج کند و انتفاع میرد لازمست قسمت مهم مخارج انتقاهی وزارت مالیه راجع بخصایج است و مقصوداً امسال بواسطه گاو میری و عدم استطاعت رعیت و لزوم بندر کاری کافی باید یک مخارجی شود تا منافعی را متضمن باشد والا از منافع کسر خواهد شد . اینها یک چیزهایی است که محل احتیاج و در مورد خودش نهایت لزوم را دارد و در صورت کسر دست دولت بسته خواهد بود و در نتیجه نمیتواند یک کار و مخارج ضروری را بکند بنده تمیدانم دولت با وزیر مالیه بکسر این مخارج قانع شده اند یا خیر ؟ اگر قانع شده اند باید خودشان دفاع کنند .

اعتراض دیگر بنده که هم در قسمت عایدات و هم در قسمت مخارج میشود این اظهار را کرد : راجع بمستخدمین وزارت پست و تلگراف است چه در ستون عایدات و قرض کنید عایدی پیش بینی کرده اند یا در

دوره پنجم

از سال گذشته است و تازه یک راپورتی بمجلس میاید که داد و کذا بنده از نقطه نظر دفاع از کمیسیون بودجه و اینکه خودم در آنجا بکنفر عضو هستم ناچارم این قسمت را درست توضیح بدهم و عرض کنم آنطوریکه آقایان تصور کرده اند نیست .

تصدیق میفرمائید قبل از آنکه یک لایحه رسمی راجع بودجه ملکتی از طرف دولت بکمیسیون برسد که کمیسیون بودجه هیچ دستوری ندارد از بنده از چهاردهم حمل مطابق نظامات داخلی مجلس کمیسیون بودجه تشکیل شده است لایحه بودجه کل ملکتی که اول از طرف دولت آمد در تاریخ نهم برج سور بود و در تاریخ یازدهم برج نور تقریباً تقدیم مجلس شده .

اگر آقایان بقدمه راپورتی که از طرف کمیسیون بودجه تقدیم شده است مراجعه میکنید شاید یک قسمت از مشکلاتشان حل میشد که یکی هم همین مسئله تأخیر بود در اواسط برج تور لایحه کل بودجه از طرف دولت تقدیم مجلس شورای ملی و بعد بکمیسیون ارجاع شد در این ضمن شروع شد باینکه بودجه تصویبی هر یک از وزارتخانهها بکمیسیون بودجه بیاید تا بتدریج کمیسیون بجزئیات هر یک از آن بودجهها دقت کند .

در برج جوزا اگر خاطر آقایان باشد در موقتی که پیشنهاد تصویب یکدوازدهم شده بود بواسطه اینکه بعضی از بودجهها هنوز نرسیده بود در همین مجلس رای داده شد که هر یک از وزارتخانهها که بودجه تصویبی خود را تا آخر برج تقدیم مجلس نکند حق دریافت یکدوازدهم را نخواهد داشت تا اینکه وزارتخانهها بودجه های تصویبی خود را فرستادند .

پس معنی که کمیسیون بودجه در مجموع بودجه های تصویبی وزارتخانهها وقت صرف کرده اند سرطان است . اسه است . سنبله است و میزبان .

کمیسیون علی الوضیفه داخل شد در اعلام جز بودجهها و کمیسیون هیچوجه قصوری در ایفاء وظایف نکرد بلکه با کمال جدیت و نهایت سعی و کوشش وظیفه خودش را انجام داده است .

ولی در ضمنی که وارد شد بر اوجه بودجهای تصویبی بیک مشکلاتی بر خورد و البته همان طوریکه آقایان در اینجا اظهار میکنند باید توضیح خواست که این مالیات مستقیم از چه بابت و اقلام جزیش چیست و مالیات جاروب است مالیات پاروست ؟ مالیات داس است ؟ مالیات نبرست

کلیتاً صد و پنجاه قلم مالیات است . البته این نظرها را کمیسیون بودجه داشت کمیسیون بودجه باید از کجا توضیح بخواهد ؟ البته از وزیر مالیه باید توضیح بشوید .

شروع کرد بخواستن توضیح شفاهی و کتبی وبالآخره در نتیجه مذاکرات کمیسیون یک توضیحاتی داده شد که این توضیحات کمیسیون را قانع نکرد و در ضمن هم لایحه قطع اظهارات اضطراری وزیر مالیه میشد که عهده کنیه در تصویب بودجه که اگر یکروز تأخیر بیفتد خط آهن درست نخواهد شد اگر در روز تأخیر شود کمیسیون و مجلس مسئول کسر عایدات کلی خواهند بود وجه وجه .

بطور خلاصه عرض میکنم هر رأی و تصمی را که ما میخواستیم در کمیسیون بگیریم فردا يك اشکالات دیگر می میشد و می گفتند خبر این رأی این طور نباشد طور دیگر باشد البته ما هم چون میخواستیم کاملا اتمام حجت شده باشد و يك چیزی نکتیم که بعدها همین جدید را تأویل کنند بيك سوء نیت هائی در صورتیکه سوء نیت نداشتیم و حالا هم بداند اولی بنده شخصاً عرض می کنم آن انتظاراتی را که ما داشتیم تا اکنون عمل نیامده است .

بنابراین علت تأخیر این بوده است و تصور می کنم در این قسمت کمیسیون بودجه هیچ قصوری نکرده است بیستم میزان لایحه دولت رسیده و کمیسیون بعد از آن چند جلسه تشکیل داده و بعد راپورت داده است طبع و توزیع هم شده .

قسمت دوم از خلاصه مذاکرات و اشکالاتی که آقایان می کنند راجع بضرر مالیات گرفتن است در این قسمت بعضی مالیات هائی است که شاید جدید می گیرند و نظر آقایان نمائندگان این است که باید مالیه اصلاح شود و بالاخره جلو گیری از حیف و میل عایدات شود بيك صورت

منظم و عادلانه پیدا کند . این طرز مالیات گرفتن در مملکت ایران قسمت اساس است که خیلی بد است و کسی هم منکر نیست .

اما مخالفتی که هست این است که درجه موقع باید داخل در مذاکره اصلاح شد و چه وقت باید گفت که فلان مالیات طرز گرفتن صحیح نیست و فلان طرز باید گرفت .

بالاخره کدام کمیسیون صلاحیت دارد که رسیدگی کند در این مسئله .

بنده تصور میکنم تمام این حرفها باید ازین برود ولی تصدیق بفرمائید که در ضمن قانون بودجه مالیه اصلاح نمیشود و تصدیق میکنم که يك مالیات های عجیب و غریب عهد قاجار سوس از مردم گرفته می شود .

ولی این مالیاتها قابل اصلاح نیست و این مالیاتها را باید حذف کرد مالیات های عادلانه از روی عایدات وضع کرد و آنرا اجراء کرد والا این مالیاتها را چه میکنیم فرض بفرمائید .

مثلا مالیات سنّف مالیات پوستین - اینها راجه طور اصلاح میفرمائید این را هشت چیز دیگری است .

اولا باید دولت را دعوت کرد خودشان هم در نظر گرفته اند و يك لایحه هم در چندی قبل تقدیم مجلس کردند که تقریباً خاطر من میباشد ۱۴۹ قسم مالیات در آن لایحه ذکر شده بود و آنها را پیشنهاد

کرده بودند که افاء شود و آنها از همین قبیل مالیات هائی است که آقایان در ضمن بیان ایشان میفرمائید که باید ملغی شود دولت هم این نظریه را داشته که ما این مالیاتها را نسخ کنیم و بجای آن يك مالیات عادلانه تری برقرار کنیم بالاخره این لایحه هم رفته است بکمیسیون مالیه .

اما کمیسیون بودجه نمیتواند وضع مالیات کند بکمیسیون بودجه يك عایداتی را که دولت با نشان میدهد تطبیق میکند با سوابق قانونی که بهینند سوابق قانونی یا عادی یا عمالی وارد و بعد در موقع عمل خرج راهم ملاحظه میکنند بستم تطبیق جمع و خرج می کنند و غیر از این کار دیگری ندارد .

شیروانی - وظیفه مجلس است تدبیر - مجلس هم همین طور است اگر عهده بيك مؤسسه داشته باشد برای بخارج آن مؤسسه نمیدهد - پس این مسئله وظیفه کمیسیون قوانین مالیه است .

بنده هیچ تصوری بآن کمیسیون ندارم مقصودم این است که البته باید از آنجا بیاید مجلس یکی قانون ممیزی است که باید بیاید و اصلاح شود و آنوقت تقریباً بنجاه قسم از این مالیاتها حذف خواهد شد بنده کاملا باین ترتیب موافقم

ولی اگر حالا در ضمن قانون بودجه بیائیم و بگوئیم مالیه باید اصلاح شود یا قائل شویم نه باید قبلا لایحه ممیزی بیاید در مجلس و مطرح شود و بعد بودجه بتأخیر نیفتد

صورت خارج نیست یا اینکه باید بخارجی که دولت و ادارات دولتی دارند اصلاح داده نشود یا اینکه ناچار باید بکند و از دم بطور تصویب کنیم .

يك درازدم را بند عرض می کنم بضرر است و اگر بنا شود این بودجه را بیاندازند تا قانون تصاعدی یا قانون ممیزی بگذرد بالاخره نتیجه اش اینست امور مملکتی فلج میشود و نمی شود گفت يك مخارجی را که لازم است نکنند .

بنده در عین اینکه موافقم که مالیه باید اصلاح شود ولی این عهده را دارم که جایش اینجاست .

بعلاوه ما در کلیات وارد می شویم و آنوقت سیزده ماده ای در در کلیات مذکور میکنم بعد درمواضع باز بگه یکی می گوئیم در صورتی که جایش اینجا نیست در کلیات باید علی اصول حرف زد بعد وقتی که وارد مالیات های مستقیم شدیم پیشنهاد می کنیم که فلان مبلغ اضافه شود یا کم بشود یا مالیات های غیر مستقیمی که سوابق قانونی ندارد یا تا چهار سال قبل عمل کرد دارد آن ها را تصویب کنیم .

یا بگوئیم مالیات غیر مستقیم چه چیز است مطابق ماده ۶۶ قانون استخدام که

یا فلاقتدر از آن باید کم شود وزیر است . جای این مذاکرات در افلام جز و است اینجا جایش نیست يك مسئله ای که خیلی طرف توجه آقایان شده است که بالاخره هو می کنند کمیسیون بودجه را مسئله اش است که میگویند آه و اوایلا - و امصیبتاه - اش کم شده است ظلم وجود شده است پاچه شده - پاچه شده .

بنده لازم است این مسئله را توضیح بدهم بعد هم عهده خود را عرض کنم و خواهش میکنم آقایان دقت بفرمائید عین واقع را عرض میکنم .

اولا بوجه اعتباری را که دولت پیشنهاد کرد خودشان اشکال کردند که این مبلغی که برای بعضی از وزارتخانه ها تخصیص داده شده است کم است .

مثلا بودجه عدلیه که همه داد می کنیم کم است یا بودجه معارف که همه داد و فریاد میکنیم کم است و همه جا هم معارف میخواهند از قبیل کتابخانه و قفسر یا جاهای دیگر - و بودجه شش کم است - بسیار خوب .

از طرفی گفتند که اگر چنانچه این مبلغ را قبول کنیم لازمه اش اینست که يك قسمت از مؤسسات را حذف کنیم و در نتیجه حذف بيك قسمت از مؤسسات و تشکیلات دو ضرر وارد می آید .

یکی اینکه يك قسمت ضروری حذف میشود - یکی اینکه يك عهده بی گناه ضمیمه منتظرین خدمت میشوند .

بنابراین باید يك رأی پیدا کرد - این بود که در این زمینه قسمت یا هیئت دولت مذاکره شد و گفته شد بروید يك يك راهی پیدا کنید که طریقی میشود که منتهی نشود یا اینکه حذف بعضی از مؤسسات بشود و يك عهده بر منتظرین خدمت اضافه شود برای اینکه پول زیاد تر از این ندارم رفتند و آمدند بالاخره فکری که شده این است .

چون موضوع اش سه موضوع است یکی رتبه اول استخدام است یعنی حقوق ثابت .

یکی حد اقل حقوق - هر يك از این نه رتبه یعنی رتبه اول ثبات رتبه آخر مدیر کل .

یکی هم میده رتبه - میده رتبه وحد اقل حقوق این رتبه های نه گانه مرتبط بقانون استخدام است و مادام که قانون استخدام باقی است و منسوخ نشده است کمیسیون بودجه و مجلس شورای ملی و دولت و ملت موظفند این قانون را محترم بشمارند .

در قانون استخدام که در کمیسیون معطل بحث شد این طور تشخیص شده است . مطابق ماده ۶۶ قانون استخدام که

میگوید در عین اجرای این قانون هر کس شاغل هر شغلی است آن شغل باید با یکی از این رتبه های نه گانه تطبیق شود و همان رتبه رتبه رسمی مستخدم است .

ما بهنداز اینکه مراجعه بودجه تصویب کردیم دیدیم اینطور نشده - شغل مستخدم تطبیق بر رتبه ها نشده است .

در بعضی جاها سابقه خدمت را میده و در بعضی جاها سابقه خدمت را میده و در بعضی جاها حقوق مستخدم را میده قرار داده اند مخصوصاً در وزارت مالیه اینکار را کرده اند .

در صورتی که صریح است که شغل این شخص را باید تطبیق کنند - فرس بفرمائید يك نفر منشی است منشی گری از نقطه نظر وظائف به درجه تقسیم میشود از نظر کارها - کار منشی را تطبیق کنند بهینند منطبق با منشی اول است میگویند منشی اول است یا با منشی دومی میگویند منشی دوم است یا با منشی سوم - مثلا مفتش .

شغل این مفتش را باید تطبیق کرد که آن در کدام يك از این درجات باید باشد ولی این کار را کرده اند در حقوق این اشخاص را تطبیق کرده اند بعد گفته اند این حقوق منطبق بر حقوق فلاق رتبه می شود .

بنابراین این شخص دارای این رتبه است .

علاوه بر این قانون استخدام که دو سال سه سال میکنند تصریح میکند اشخاصیکه رتبه ها شان همین شش رتبه يك تا رتبه پنج دوسال باید در این مقامات بمانند یا شش سال صاحبان دبلیم و تصدیق مدارس عالی و از رتبه پنج تا رتبه نه باید سه سال بمانند بعد ترقی کنند .

بنابراین در این مراتب پنج گانه مادون یعنی از ثبات تا ریاست شعبه باید دو سال بگذرد و در رتبه مافوق اگر جا پیدا شد و واجد شرایط بود این شخص ارتقا رتبه حاصل میکند .

هم چنین مدیر دایره باید سه سال بماند تا بتواند معاون اداره شود اگر معاون اداره مقامش خالی نبود این شخص اینجا میماند و یک رتبه اختیاری با او میدهند در وزارت مالیه بودجه تصویب شده است و اینطور نشده تمام آقایان نمایندگان می توانند ملاحظه کنند فلان شخص معاون اداره است باز رتبه مدیر کل باین دلیل هفده مدیر کل درست شده .

شیروانی - ما هم ایرادمان همین بود . قدین - اجازه بدهید این همان اشلی است که شما برای آن سنگ بسیند میزنید ما هم همین ملاحظه قبول نکردیم . بنابراین چون این موضوع مطابق با

قانون استخدام نبود مانعی نداشتیم قبول کنیم . علاوه بر این در قانون استخدام از نقطه نظر حقوق قید شده که حقوق رتبه اول را قانون بودجه معین می کند یا سی و دو تومان یا سی و پنج تومان یا هر چه - حقوق رتبه اول را قانون بودجه هر سال یعنی مجلس تصویب می کند و حقوق سایر مراتب را بر ترتیب همان اشلی که معین شده و وزارتخانه ها معین می کنند .

در سال اول اضافه حقوق و تفاوت بین حد اقل و اکثر یا دادن حد اکثر مطابق قانون استخدام ممنوع است و در سنه تنگ و تنی سال اول اجراء این قانون اینکار را در وزارتخانه ها کرده اند و رعایت این اصلا در وزارتخانه ها نکرده اند و تفاوت بین حد اقل و اکثر یا اینکه حد اکثر داده اند در بودجه امسال هم همین حال را داشتیم یعنی حقوق رتبه را خودشان معین کرده اند و از نفع نظر حقوق نیابتی بر رتبه اختیاری قائل شوند در صورتی که شده اند حد اکثر حقوق را هم قائل شده اند و اینطور میشود در بودجه امسال هم همین معین کرده اند یعنی حقوق رتبه را خودشان معین کرده اند و از نفع نظر حقوق نیابتی بر رتبه اختیاری قائل شوند در صورتی که شده اند حد اکثر حقوق را هم قائل شده اند و اینطور میشود در بودجه امسال هم همین معین کرده اند

ولی ما چنانکه دولت اینطور پیشنهاد کرد و ما هم رأی داده ایم حالا پیشنهاد کنند سی و دو تومان . بنده و مجلس و کمیسیون قول یک نفر از آقایان باسلام و صلوات رأی می دهیم . این قسمت که راجع بودجه است و دولت باید پیشنهاد کند .

ولی دو قسمت دیگر که در این نامه قید شده است عايش این بوده چون ما دیدیم بودجه را اعتباری باید تصویب کنیم و در عین اینکه اعتماد بدولت داریم نمی خواهیم از حجت اعتماد بدولت تزلزل در ما پیدا شود .

ولی برای اینکه تکلیف دولت هم معلوم باشد در اینجا قید شده است بودجه تفصیلی را بیاورند ب مجلس و تا بیاورند وزارت مالیه نیابتی این پول را بدهند .

خوب علی العمیا که نمیشود این بودجه اعتباری را داد آمدیم گفتیم مطابق این شرایط باید بودجه خودتان را تنظیم کنید مخارج بودجه دو قسمت است يك قسمت راجع بحقوق مستخدمین است و يك قسمت راجع بخارج دیگر .

بآن مخارج ما کار نداریم گفتیم شما بودجه خود را بنویسید در روی این شرایط و بعد هم ب مجلس بیاورید .

شرط اول اینست که حقوق رتبه اول سی تومان باشد بنابراین اگر سی و يك تومان بنویسید مورد سؤال و جواب خواهد بود .

شرط دوم اینست که حد اقل حقوق رتبه نه گانه را مطابق قانون استخدام باید بدهند .

شرط سوم اینست که میده رتبه بیست از اول سنه تنگ و تنی باید باشد که در حقیقت میده رتبه اول اجرای این قانون باشد .

پیش نهاد کنیم . بالاخره آنجا بطور خصوصی و دوستانه مذاکره شده که این بیست و نه تومان کسب و خوبست سی تومان بشود و دولت با کمیسیون موافقت کرد و آنرا پیش نهاد اساسی خودش فرض کرد و هم قبول کردیم .

آنوقت بیرون می داد و فریاد کردند که امان از دست کمیسیون بودجه . این عهده ظالمانه و جاپرانه بنده یا کمیسیون بودجه است .

بنده شخصاً عهده خود را عرض می کنم هیچ وحشتی ندارم بنده عهده دارم از روز اول نباید يك پولهای بی بهره را داد ولی وقتی که يك حقوقی برای کسی برقرار شد نباید قطع شود و بنده مخالفم که آن حقوق کم یا کسر شود زیرا قطع نان مردم بهترین خدمات است .

ولی ما چنانکه دولت اینطور پیشنهاد کرد و ما هم رأی داده ایم حالا پیشنهاد کنند سی و دو تومان .

بنده و مجلس و کمیسیون قول یک نفر از آقایان باسلام و صلوات رأی می دهیم . این قسمت که راجع بودجه است و دولت باید پیشنهاد کند .

ولی دو قسمت دیگر که در این نامه قید شده است عايش این بوده چون ما دیدیم بودجه را اعتباری باید تصویب کنیم و در عین اینکه اعتماد بدولت داریم نمی خواهیم از حجت اعتماد بدولت تزلزل در ما پیدا شود .

ولی برای اینکه تکلیف دولت هم معلوم باشد در اینجا قید شده است بودجه تفصیلی را بیاورند ب مجلس و تا بیاورند وزارت مالیه نیابتی این پول را بدهند .

خوب علی العمیا که نمیشود این بودجه اعتباری را داد آمدیم گفتیم مطابق این شرایط باید بودجه خودتان را تنظیم کنید مخارج بودجه دو قسمت است يك قسمت راجع بحقوق مستخدمین است و يك قسمت راجع بخارج دیگر .

بآن مخارج ما کار نداریم گفتیم شما بودجه خود را بنویسید در روی این شرایط و بعد هم ب مجلس بیاورید .

شرط اول اینست که حقوق رتبه اول سی تومان باشد بنابراین اگر سی و يك تومان بنویسید مورد سؤال و جواب خواهد بود .

بنابراین نسبت به قسمت اول البته دولت میتواند يك پیشنهاد جدیدی بکند که حقوق ثابت چقدر باشد و نسبت به بقیه چون مخالف قانون استخدام بود است تا قانون استخدام باقی است نمیشود قبول کرد .

يك قسمتهای دیگری هم یاد داشت کرد ام ولی از آنها ای که اهمیتش کمتر است میگذرم و قسمت مهمتری می پردازم و بیشتر از این وقت آقایان را تسبیح نمی کنم موقع گذشته ظاهر هم گذشته است .

راجع بکسر تقاعد مستخدمین است و تلگراف اینجا اشاره شد .

این مربوط بقانون بودجه و کمیسیون بودجه نیست و در عین اینکه در این قسمت دقت هم شده است لکن مربوط بودجه نیست و تقریباً میتوان گفت این بودجه مطابق با قانون استخدام است .

اما کسر مخارج انتفاعی این مخارج انتفاعی هم از جمله چیزهای بفرنجی است که بنده میخواهم خلاصه اش را عرض کنم که این مخارج انتفاعی چه بوده است .

يك صورتی بما داده اند از مخارج انتفاعی برای خاصه یعنی تمام خالصجاتی که متعلق بدولت ایرانست و مخارج انتفاعی آن در سال عبارتست از سیصد و شصت و هفت هزار و سیصد و سیزده تومان . این مخارج انتفاعی کل خاصه است این يك قسم .

يك قسم هم مخارج انتفاعی عوامند غیر مستقیم است و يك فله از آن مخارج صد و هفتاد و دو هزار و شصت و هشتاد و هفت تومانست .

این مخارج انتفاعی عوامند غیر مستقیم چیست ؟

ما توضیح خواستیم فهمیدیم این مبلغ در سال خرج بدیختی مملکت میشود یعنی برای پختن سوخته تریاک و شیره درست کردن و تحمیل بایر مردم بدیخت کردن مصرف میشود و از این راه تحصیل عایدات میکنند .

در صورتیکه مقصود مجلس شورای ملی در آن دوره که قانون تصدیه را وضع کرده این بود که این سهم مهلك بتدریج از بین برود و در آن قانون اصلا عنوان سوخته و شیره نبود اینهم یکی .

ولی در عین حال بازمه مستلزم این نیست که شما بودجه را تصویب نکنید يك قلم بعنوان ذخیره سی و پنج هزار تومان نوشته بودند .

ما هر چه توضیح خواستیم که این ذخیره برای چیست آبا این ذخیره را احتیاطاً نگاه میدارند . آبا برای سوخته تریاکست برای چیز دیگری است فهمیدیم .